مکاشفه

9Marks



کتاب مقدس

آیا می‌توان به آن اعتماد کرد؟

اندرو متیسون

مکاشفه

IX 9Marks

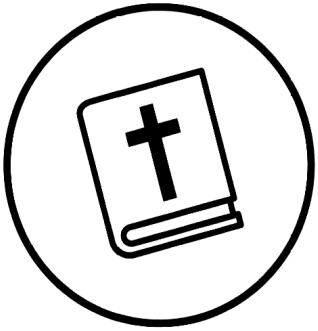

کتاب مقدس

آیا می‌توان به آن اعتماد کرد؟

اندرو متیسون

| به نام او و برای او |

Bible: Can We Trust It?
Copyright 2019 by Andrew Mathieson
Published by Christian Focus
Publications Ltd,
Geanies House, Fearn, Tain,
Ross–shire, IV20 1TW, Great Britain. Translated
into Farsi by Revelation Ministries Inc.
9Marks ISBN: 979-8-89218-257-7

کتاب مقدس

مکاشفه

نشر مکاشفه

کتاب مقدس

آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟

| نویسنده: **اندرو متیسون** |
| ترجمه: **گروه مترجمان** |
| سرویراستار: **نیما علیزاده** |
| نوبت چاپ: **اول، جولای ۲۰۲۶، تابستان ۱۴۰۵** |
| شابک: ۹۷۹-۸-۸۹۸۷۳-۰۰۶-۲ |

همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است

نقل از کتاب با ذکر مأخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.

CHRISTIAN FOCUS

WWW.MOKASHEFEH.COM

کتاب مقدس

آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟

اندرو متیسون

فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳
پیشگفتار | ۱۵
معرفی مجموعه | ۱۷
آشنایی با رِینه و پیت | ۲۱
مقدمه | ۲۳
فصل اول: کتاب مقدس از کجا آمده است؟ بخش اول (منشا) | ۲۹
فصل دوم: کتاب مقدس از کجا آمده است؟ بخش دوم (کانُن) | ۴۳
فصل سوم: چگونه بدانیم که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟
بخش اول (الهام) | ۵۵
فصل چهارم: چگونه بدانیم که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟
بخش دوم (مصونیت از خطا) | ۷۱
فصل پنجم: چگونه کتاب مقدس را بخوانیم؟
بخش اول (عهد عتیق) | ۸۳
فصل ششم: چگونه کتاب مقدس را بخوانیم؟
بخش دوم (عهد جدید) | ۱۰۱
فصل هفتم: آیا کتاب مقدس به امروز هم مرتبط است؟ | ۱۱۵
فصل هشتم: چگونه کتاب مقدس به عیسی اشاره می‌کند؟ | ۱۲۵

این کتاب جذاب‌ترین مطلب دربارهٔ شاگردی است که تاکنون از خواندن آن لذت برده‌ام و با دقت الهیاتی و شفافیت شگفت‌آوری نوشته شده است. موضوع اصلی‌اش با یک روایت سرگرم‌کننده و جالب در هم تنیده شده و همین بر جذابیت آن می‌افزاید و کمک شایانی به شکاکان، جویندگان و ایمانداران می‌کند. امیدوارم محققان نوشتن جلدهای بیشتری دربارهٔ موضوعات ضروری ایمان مسیحی را نیز مد نظر قرار دهند. آنها واقعا لازم هستند.

پل دیوید واشِر

President, Heart Cry Ministry, Radford, Virginia

سی سال پیش من در کلاس کتاب‌شناسی دانشکدهٔ الهیات نشسته بودم و ناامیدانه تلاش می‌کردم حقایقی را که استادم سعی داشت به ما انتقال دهد درک کنم. آن کلاس بسیار آموزنده بود و محتوای آن به من کمک کرد تا برای سه دهه خدمت آماده شوم. صادقانه بگویم قدردان آن سخنرانی‌ها هستم. با این وجود، ای کاش سال ۱۹۸۹ این کتاب را در اختیار داشتم. خواندن چنین کتاب کاربردی با آن همه مثال‌های روشن و عالی دربارهٔ چنین موضوع پیچیده‌ای، بسیار دلپذیر و خوشایند است. این کتاب را باید برای تمام دانشجویان دانشکدهٔ الهیات اجباری کنند! دوستیِ شخصی من با اندرو متیسون بر لذت مطالعهٔ این کتاب می‌افزاید، امیدوارم تبدیل به کتاب صوتی شود و خود نویسنده، مسئولیت گویندگی آن را به عهده بگیرد. این شبیه دیدار «شِرِک با کارل اف. اچ. هنری» است!

اِد مور

Head Pastor, North Shore Baptist Church Bayside, New York

باید به مشارکت و همکاری انتشارات کریستین فوکوس، توئنی شمز و ناین مارک در مجموعهٔ «گام‌های اول» تبریک گفت، زیرا به طور جدی در تلاش برای طراحی مطالبی هستند تا افرادی را با پیشینهٔ غیرکلیسایی برای شروع زندگی مسیحی آماده کنند. برای انجام این رسالت، متن کتاب که مبتنی بر کتاب مقدس است به بخش‌های بسیار کوچک و قابل فهم تقسیم می‌شود، پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد، آموزش‌هایی می‌دهد و مثال‌ها و سناریوهایی از زندگی رِینه (Reenie) بیان می‌کند. او یک نوکیش مسیحی بدون هر پیشینهٔ مذهبی و کلیسایی و دارای شوهری بی‌ایمان به نام پیت (Pete) است. طرح هر صفحه کمی متفاوت است و از فونت‌ها و فاصله‌گذاری‌های مختلف استفاده می‌کند که به خواندن کتاب، بسیار کمک کرده است. این کتاب، شامل عناوین مختلفی است، مانند منشا کتاب مقدس، قابلیت اعتماد به آن، ارتباطش با امروز، برخی مضامین مهم و این واقعیت که تمام آن به عیسای مسیح اشاره دارد. در حالی که به مسیحیان جوان با پیشینه‌های غیرکلیسایی کمک می‌کند تا برخی آموزه‌های کتاب مقدس را بفهمند، همچنین بعضی از اصطلاحات مهم کتاب مقدس و الهیات را نیز به آنها معرفی می‌کند، از جمله مکاشفهٔ خاص، الهام، مسیحا، ملکوت یا پادشاهی، عهد و جایگزینی که بی‌تردید آنها را برای مطالعهٔ بیشتر و رشد در درک ایمان تازه آماده می‌سازد.

هِکتور موریسون
Principal, Highland Theological College,
Dingwall, Scotland

من دوازده سال اخیر را صرف خدمت شبانی کرده‌ام و کوشیدم مردم را با کتاب مقدس آشنا کنم. به‌تازگی متوجه شدم شناخت کتاب مقدس مهم نیست، بلکه باید به آن اعتماد کرد. ای کاش دوازده سال پیش که کارم را شروع کردم، این منبع مفید را در اختیار داشتم. این کتاب، مختصر و شیرین است. کاملا ساده و پرمغز، به طور باورنکردنی خردمندانه جامع و دقیق است. به نظرم هر کسی که سفر مسیحیت را آغاز می‌کند، نمی‌تواند منبعی بهتر از این برای اعتماد به کتاب مقدس پیدا کند! امیدوارم در سال‌های آتی از این کتاب استفاده کنم.

جان اونوچکا
Lead Pastor, Cornerstone Church, Atlanta, Georgia

یادداشت ناشر

سال‌هایی که بسیاری از فارسی‌زبانان، در میان هیاهوی صداهای متناقض، تشنهٔ حقیقتی استوار و ایمانی ریشه‌دار هستند، نیاز به منابعی ساده، سالم و کتاب‌مقدسی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. بسیاری با اشتیاق به سوی شناخت مسیح گام برمی‌دارند، اما در همان آغاز راه با پرسش‌هایی بنیادین روبه‌رو می‌شوند؛ پرسش‌هایی دربارهٔ خدا، کتاب مقدس، نجات، کلیسا و معنای واقعی پیروی از عیسای مسیح. مجموعهٔ «گام‌های اول» تلاشی است برای پاسخ دادن به همین نیاز؛ مجموعه‌ای کوتاه، روشن و عمیق که می‌کوشد خواننده را نه صرفا به دانستن، بلکه به زیستن در حقیقت انجیل هدایت کند.

آنچه این مجموعه را ارزشمند می‌سازد، تنها سادگی بیان یا کاربردی بودن آن نیست، بلکه وفاداری آن به الهیات سالم، اقتدار کلام خدا و محوریت انجیل است. به عنوان ناشر، با قدردانی از خدمت ارزشمند نویسندگان و خادمین این مجموعه، دعا می‌کنیم که خداوند از ترجمه و انتشار این

کتاب‌ها برای بنای کلیسای فارسی‌زبان، تقویت ایمانداران جوان و هدایت جویندگان حقیقت استفاده کند.

امید ما این است که این «گام‌های اول»، آغاز راهی باشد برای ایمانی عمیق‌تر، شناختی روشن‌تر از مسیح، و محبتی افزون‌تر نسبت به خدا و کلیسای او.

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»

پیشگفتار

با سلام، من اندرو متیسون هستم، شوهر لارِن، پدر تالیا و استیفان؛ و قرار است ژوئن ۲۰۱۹ دختر دیگرم به دنیا بیاید. امروز من رهبر ارشد و مؤسس کلیسای کوچک تعمیدی لوچی[1] در داندی[2] اسکاتلند هستم.

کمی بیش از دوازده سال پیش، من یک آدم کلیشه‌ای بی‌هدف بودم که گیتار می‌نواخت، ماری‌جوانا مصرف می‌کرد و توهمات خودبزرگ‌بینی به سبک نوئل گالاگِرِسکو[3] داشت.

من از این امتیاز برخوردار بودم که در یک خانوادهٔ مسیحی در بخش زیبایی از شهر بزرگ شوم. از دوران جوانی با انجیل و کتاب مقدس آشنایی داشتم. اما در آن زمان تمایلی به آن پیدا نکردم. در هفده سالگی به خاطر اشتباهات و آشفتگی خودم بی‌خانمان شدم. در نهایت مجبور شدم در شهرک کوچکی به نام هیل‌هِد در گلاسکوی اسکاتلند ساکن شوم (شهرک scheme در اسکاتلند به مناطق مسکونی دولتی مخصوص افراد بی‌خانمان و محروم جامعه گفته

1. Lochee Baptist Chapel
2. Dundee
3. Noel Gallagheresque

می‌شود و حدود یک چهارم مردم اسکاتلند را در خود جای می‌دهد).

در طول سال‌هایی که آنجا زندگی می‌کردم، مادرم صادقانه انجیل را با من به اشتراک می‌گذاشت و مرا به توبه و ایمان در مسیح دعوت می‌کرد، اما در آن شهرک از نام عیسای مسیح فقط برای سوگند و نفرین استفاده می‌شد و در موارد دیگر هرگز نه نام او، نه نام دیگری از کتاب مقدس دیده نمی‌شد و این بسیار غم‌انگیز است.

در دوم تیموتائوس ۱۵:۳ یاد می‌گیریم کتاب مقدس برای نجات از طریق ایمان در مسیح به ما حکمت عطا می‌کند.

اجازه دهید ساده‌تر توضیح دهم، وقتی چیزی از کتاب مقدس شنیده نشود؛ بی‌تردید فقط ناامیدی جهنم وجود دارد. من فقط به واسطهٔ فیض خدا بود که کتاب مقدس را شنیدم، با عیسی برخورد کردم و نجات یافتم. او زندگی مرا از یک مصرف‌کنندهٔ ماری‌جوانا به شبان تبدیل کرد.

این کتاب با چنان واژگان ساده‌ای توضیح می‌دهد کتاب مقدس چیست، از کجا آمده است و در مورد چیست که تمام کسانی که از قبل با آنها رفت و آمد داشتم نیز بتوانند آن را بفهمند.

این کتاب را به مادرم «روت» تقدیم می‌کنم. سپاسگزار او هستم که مرا دوست داشت، در مورد عیسی به من گفت و به من تعلیم داد که «با تمام دلت به خدا اعتماد کن و متکی به درک و شناخت خودت نباش.»

امید و دعای من آن است که خداوند از این کتاب استفاده کند تا با محبت مسیح و کلامش زندگی دیگران را نیز متحول سازد.

تنها برای جلال خدا

اندرو متیسون[1]

Lochee, Dundee

1. Andrew Mathieson

معرفی مجموعه

این مجموعه شامل گام‌های اول برای آمادگی افرادِ بدون هر گونه پیشینهٔ مذهبی و کلیسایی است و به آنها کمک خواهد کرد تا در مسیر پیروی از عیسای مسیح، گام‌های اول را بردارند. ما این گام‌ها را «مسیر خدمت» می‌نامیم، زیرا معتقدیم هر مسیحی باید برای خدمت به مسیح و کلیسای او آماده شود و اصلا فرقی ندارد که چه پیشینه یا تجربه‌ای در زندگی دارد.

اگر یک رهبر کلیسا هستید که در مکان‌های سخت و دشوار خدمت می‌کنید، از این کتاب‌ها به عنوان ابزاری برای کمک به رشد کسانی استفاده کنید که با آموزه‌های عیسای مسیح آشنا نیستند. این کتاب‌ها آنها را برای رشد شخصیت، دانش و عمل آماده می‌کنند.

و یا چنانچه خودتان هم نوکیش مسیحی هستید و هنوز در درک مفهوم مسیحیت یا آنچه کتاب مقدس به‌واقع تعلیم می‌دهد، دچار چالش می‌باشید؛ پس این کتاب‌ها، راهنمای بسیار ساده‌ای هستند تا بتوانید گام‌های اول

پیروی از عیسای مسیح را بردارید.

برای استفاده از این کتاب‌ها روش‌های زیادی وجود دارند:

- می‌تواند توسط یک فرد که فقط مطالب را می‌خواند و بر روی پرسش‌ها تعمق و کار می‌کند، به کار گرفته شود.
- می‌تواند در موقعیتِ تک‌به‌تک استفاده شود؛ یعنی دو نفر پیش از ملاقات یکدیگر مطالب را می‌خوانند و سپس در مورد پرسش‌ها، بحث و گفت‌وگو می‌کنند.
- می‌تواند در موقعیت گروهی استفاده شود؛ یک رهبر، مطلب مورد نظر را ارائه داده و فرصت می‌دهد تا گروه دربارهٔ موضوع بحث و گفت‌وگو کنند.

موقعیت شما بهترین روش استفاده از این منبع را تعیین می‌کند.

کلیدهای کاربر

در طی مطالعهٔ این کتاب با نمادهای زیر روبه‌رو می‌شوید.



رِینه و پیت: در جاهایی از هر فصل، رِینه و پیت را ملاقات می‌کنید و در مورد داستان آنها و هر آنچه در زندگی‌شان اتفاق افتاده است،



چیزهایی می‌شنوید. ما می‌خواهیم شما هم هر آنچه ما از کتاب مقدس یاد گرفته‌ایم را به کار بگیرید و بدانید آنها چگونه زندگی رِینه و پیت را تغییر داده‌اند. بنابراین هر گاه این نماد را ببینید، چیزی از داستان آنها خواهید شنید.



مثال: مثال‌ها و سناریوهای زندگی واقعی به ما کمک می‌کنند نکتهٔ اصلی که بیان می‌شود را درک کنیم.

STOP **توقف:** وقتی به نکتهٔ مهم یا دشواری برخورد می‌کنیم، از شما

می‌خواهیم توقف کنید و مقداری وقت صرف تفکر یا بحث در مورد آنچه یاد گرفته‌اید، نمایید. شاید همین کار، پاسخ برخی از پرسش‌هایتان را بدهد و یا شاید از داستان رِینه و پیت، مطالب بیشتری تعلیم بگیرید.



آیهٔ کلیدی: کتاب مقدس کلام خدا به ماست. بنابراین کلام آخرین در مورد هر چیزی است که باید به آن ایمان بیاوریم و رفتار کنیم. پس ابتدا می‌خواهیم کتاب مقدس را مطالعه کرده و با دقت آن را بخوانیم. از این رو هر گاه این نماد را می‌بینید، آن بخش از کتاب مقدس را سه بار بخوانید یا به آن گوش دهید. اگر کسی که با او کتاب مقدس می‌خوانید، احساس راحتی می‌کند؛ از او بخواهید حداقل یک‌بار آن را بخواند.



آیهٔ حفظی: در انتهای هر فصل، یک آیه به شما معرفی می‌شود تا آن را حفظ کنید. ما متوجه شده‌ایم حفظ کتاب مقدس، واقعا در زندگی‌هایمان تاثیرگذار است. آیه (یا آیات) به شکل مستقیم، به موضوع همان فصل مربوط است.



خلاصه: در انتهای هر فصل خلاصه‌ای از مطالب آن فصل را ارائه می‌دهیم. اگر به روش خودتان با فرد دیگری کار می‌کنید، شاید بهتر باشد هر هفته، مطالب هفتهٔ پیش را بازبینی کنید.



آشنایی با رِینه و پیت

ما رِینه را چند سال پیش ملاقات کردیم، وقتی به مراسم کریسمس ما پیوست. «**کریسمس است و همه در آن شرکت می‌کنند.**» رینه یک پارچه جواهر است؛ از آن دسته افرادی که نظیر ندارند. او بی‌ریا هر کاری برای همه انجام می‌دهد. او سال‌هاست که با پیت ازدواج کرده و آنها چهار فرزند دارند که همگی بزرگ شده‌اند و هفت نوه هم دارند. ما نوه‌های آنها را در کلوپ جوانان کلیسا می‌بینیم. رِینه بیشتر روزها بعد از مدرسه و حتی روزهای تعطیل مدرسه از آنها مراقبت می‌کند.

این چند ماه اخیر با پسرهای بزرگ‌تر که اکنون در سن نوجوانی هستند، به مشکل برخورده بود. پسرها همیشه گستاخ بوده‌اند اما به‌تازگی یکی از آنها از حد خود خارج شده و به مادربزرگ خود ناسزا گفته و او را هل داده بود. خیلی بد بود که پیت مجبور شد دخالت کند و اوضاع را سر و سامان دهد. رِینه می‌گوید: «پیت عصبانی بود و من فکر می‌کردم ممکن است همین‌جا آنها را کتک بزند.»

یک روز صبح رِینه دچار مشکل جدی در سلامتی خود شد و به اورژانس منتقل گردید. او دچار یک حملهٔ قلبی خفیف شد و این باعث گردید که در زندگی‌اش بازنگری کند. او برای اولین‌بار در زندگی خود به مرگ فکر می‌کرد. حتی به سراغ مدیران بخش تشییع جنازه رفت تا برای نحوهٔ پرداخت هزینهٔ مراسم تدفین خود برنامه‌ریزی کند.

رِینه خودش را شخصی معنوی می‌دانست. در واقع از یک خانوادهٔ کاتولیک بود و اولین مراسم عشای ربانی را در جوانی انجام داده بود و در یک کلیسای کاتولیک محلی با پیت ازدواج کرده بود. او خودش را «مسیحی تعطیلات» توصیف می‌کرد؛ یعنی کسی که فقط در مراسم کریسمس و عید پاک شرکت می‌کرد.

ما پیت را زیاد نمی‌بینیم. در واقع گاهی در آنجا حضور پیدا می‌کند، اما در مقابل مسیحیان جبهه می‌گیرد. او قطعا از بیان نظراتش احساس شرمندگی نمی‌کرد! پس از دعای فراوان و تلاش بسیار، بالاخره پیت همراه با رِینه در مراسم کلیسایی شرکت کرد و در نهایت هر دو به عیسای مسیح ایمان آوردند.

مقدمه

«افسانه‌های پریان، داستان‌های ساختگی برای افراد عجیب و غریب، کتاب قانون متعصبانه، بی‌ربط و قدیمی، نادرست و غیرقابل فهم، کتابچهٔ راهنمای خودیاری، کتاب تاریخی احمقانه، فوق‌العاده جالب، کلام خدا.»

اینها تعدادی از پاسخ‌هایی هستند که هنگام صحبت با پسران و دختران در لوچی[1] در مورد کتاب مقدس شنیده و دریافت کرده‌ام. نظراتشان واقعا جالب هستند، زیرا هیچ یک از آنها حتی یک‌بار هم آن را نخوانده‌اند.

چرا باید بخوانند؟

باور کردن دنیای پیرامون خود و آنچه آنها دربارهٔ ایمان مسیحی و کتاب مقدس فکر می‌کنند بسیار آسان‌تر است. تاثیرگذاری کلیسای کاتولیک و کلیسای ملی آزاداندیش را به این قضیه بیفزایید؛ نتیجه چیزی جز ابهام و سردرگمی نخواهد بود. مردم چگونه می‌توانند به کتاب مقدس اعتماد کنند

---

۱. منطقه‌ای در اسکاتلند.

وقتی:

به آنها تعلیم داده شده است که کلیسا خودش را به عنوان مرجع نهایی بالاتر از کتاب مقدس می‌داند.

کشیش یا خادمین محلی به کتاب مقدس اعتقاد و اطمینان ندارند.

به نظر می‌رسد رهبران کلیسای ملی، کتاب مقدس را هر طور خودشان بخواهند تفسیر می‌کنند تا با فرهنگ معاصر و مدرن سازگاری داشته باشد.

تمام این ابهامات و سردرگمی‌ها باعث می‌شود افراد در محله‌های فقیرنشین، چند پرسش دربارهٔ کلام خدا داشته باشند:

- آیا واقعا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟
- از کجا می‌آید؟
- چگونه تمام آن کنار هم گذاشته شده است؟
- چه کسی تصمیم گرفت چه چیزی را در آن قرار دهد و چه چیزی را حذف کند؟
- منظور از الهام چیست؟
- آیا واقعا صد در صد حقیقت است؟
- اصطلاح عهد عتیق و عهد جدید به چه معناست؟
- آیا علم، اساسا کتاب مقدس را رد نکرده است؟

رِینه می‌گوید: «منظور چیست که می‌گوییم تمام کتاب مقدس دربارهٔ عیسی است؟ این اصلا منطقی به نظر نمی‌رسد.» گرچه او می‌گوید مسیحی است، اما در مورد نکتهٔ اصلی کتاب مقدس دچار چالش است. می‌گوید: «من کمی از آن را می‌دانم. ده فرمان را می‌شناسم. گمان می‌کنم باید از آنها

اطاعت کنم. اما بقیهٔ آن چه فایده‌ای برای زندگی من دارد؟»

رِینه تنها کسی نیست که با چنین پرسش‌هایی دست و پنجه نرم می‌کند. این کتاب وجود دارد تا به پرسش‌های او پاسخ دهد، تا مردم محله‌های فقیرنشین، ایالات، آپارتمان‌های دولتی، بخش‌های شهری (محله‌ها) و داخل تریلرهای پارک‌شده، **بتوانند کاملا به کتاب مقدس اعتماد کنند.**

آنها می‌توانند صد در صد به انجیلی که برای ما آشکار شده است، اعتماد کنند.

آنها می‌توانند از طریق کتاب مقدس، عیسای پادشاه را بشناسند، محبت کنند و به او خدمت نمایند.

کتاب دوم تیموتائوس از درون سلول زندان، توسط پولس رسول نوشته شد. او قرار بود به‌زودی به خاطر ایمانش اعدام شود؛ پس به یکی از شاگردان جوان خود به نام تیموتائوس نامه نوشت تا برای شبانی کردن در کلیسای شهری به نام افسس، کمک کند. این کلیسا بسیار به‌هم‌ریخته و آشفته بود. مردم از نظر معنوی بسیار سردرگم شده بودند. آنها تازه‌مسیحیانی مانند رِینه و پیت بودند که تقریبا چیزی در مورد کتاب مقدس نمی‌دانستند. بنابراین پولس به این شبان جوان یادآوری می‌کند که کتاب مقدس چیست و چه کاری می‌کند و چگونه عمل می‌کند.

> «امّا تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای، و چگونه از کودکی کتب مقدّس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیحْ عیسی است. تمامی کتبِ مقدّس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کارِ نیکو تجهیز گردد» (دوم تیموتائوس ۳:۱۴-۱۷).

کتاب مقدس کلام خداست.

پولس در این آیات به ما می‌گوید کتاب مقدس قادر است ***ما را از طریق ایمان به عیسای مسیح ، برای نجات حکمت بیاموزد و تمام کتاب مقدس، الهام خدا هستند.***

پولس به ما می‌گوید تمام آن برای منفعت ماست، زیرا:

- **به ما تعلیم می‌دهد،**
- **ما را نکوهش می‌کند،**
- **ما را اصلاح می‌کند،**
- **در پارسایی تربیت می‌کند.**

یعنی کتاب مقدس در زندگی یک مسیحی بسیار مهم است؛ تا جایی که پولس می‌گوید:

«تا مرد خدا به کمال برای هر کارِ نیکو تجهیز گردد» (دوم تیموتائوس ۳:۱۷).



نکته چیست؟

خدا کتاب مقدس را نوشت

تا گناهکاران را نجات دهد.



۱
کتاب مقدس از کجا آمده است؟
قسمت اول (منشا)

STOP فکر می‌کنید کتاب مقدس از کجا می‌آید؟

احتمالا پرسش‌های زیادی دربارهٔ کتاب مقدس دارید و اگر قصد دارید به هر آنچه می‌گوید ایمان بیاورید و اعتماد کنید، باید به این پرسش‌ها پاسخ دهید. اما پیش از آنکه به پرسش «کتاب مقدس از کجا می‌آید» بپردازیم، باید بپرسیم:

«چرا کتاب مقدس وجود دارد؟»
ما مقدمهٔ خود را با گفتن اینکه کتاب مقدس کلام خداست و می‌تواند از طریق ایمان به عیسای مسیح ما را برای نجات حکمت ببخشد، پایان دادیم. این گفته به نوبهٔ خود، ما را در طی زندگی‌مان برای عیسای مسیح مفید می‌سازد. بیایید زمانی را صرف تفکر دربارهٔ این موضوع کنیم. اول

اینکه، **تمام کتاب مقدس کلام خداست**. اولین خط کتاب مقدس معرف شخصیت اصلی، قهرمان و نویسندهٔ کتاب است:

«در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید» (پیدایش ۱:۱).

این آیه اطلاعات جالبی به ما می‌دهد. خدا **خالق**، **حاکم** و **مالک** همه چیز است. اگر به خواندن فصل اول کتاب مقدس ادامه دهیم، به چیزهای دیگری دربارهٔ خدا پی خواهیم برد.

STOP به فصل اول پیدایش نگاه کنید. کدام دو کلمه را تقریبا در ابتدای هر آیه می‌بینیم؟ (توجه: وقتی چیزی در کتاب مقدس تکرار می‌شود؛ یعنی مهم است).

خدا سخن می‌گوید. در حقیقت عبارت «خدا گفت» در اولین فصل پیدایش، ده بار دیده می‌شود.

خدا، برقرارکنندهٔ ارتباط است.

او جهان و هر چیزی که در آن هست را از طریق کلام خلق کرد.

درک این موضوع بسیار مهم است، زیرا ذات خدا ارتباط‌گیرنده است، و تمایل او به برقراری ارتباط با ما، نقطهٔ اوج خلقت اوست که منشا نهایی کتاب مقدس را شرح می‌دهد.



وقتی پیت بچه بود، پدرش در یک کارخانهٔ کشتی‌سازی در ریور کلاید[1] کار می‌کرد و اغلب او را به آنجا می‌برد تا به آب انداختن یک ناو جدید جنگی را تماشا کند. با وجود اینکه پسر بچه بود، اما خوب به یاد دارد که از دیدن آن ناوچه‌های غول‌پیکر جنگی شگفت‌زده می‌شد و متعجب بود

1. River Clyde

که آنها چطور به وجود آمدند. چه چیزهایی در طراحی آنها دخیل بودند، چطور ساخته می‌شدند؟ او تمام صبح، پدرش را با این پرسش‌ها به ستوه می‌آورد. با آنکه کودک بود، اما می‌دانست مهندسی شگفت‌آور یک ناوچهٔ جنگی سلطنتی به‌سادگی و ناگهانی ظاهر نمی‌شود. کسی آن را طراحی می‌کند و می‌سازد؛ و در مورد یک ناوچهٔ جنگی، حتما تعداد افراد زیادی دخیل هستند. پیت فقط با نگاهی به کشتی، می‌توانست به چیزهای زیادی در مورد این سازنده‌های پررمزوراز پی ببرد. او می‌دانست آنها خلاق، باهوش و ماهر هستند.

در مورد جهانی که خدا خلق کرد نیز همین امر صادق است. جهان هستی اطلاعات زیادی دربارهٔ خدا به ما می‌دهد. اندازه و جزئیات آن به ما می‌گوید: «خدا **عظیم، حکیم، مقتدر، خردمند و ماهر** است.» زیبایی و تنوع آن به ما می‌گوید: «خدا **خلاق، هنرمند، زیبا و باشکوه** است.»

«آسمان جلال خدا را بیان می‌کند، و فَلَک از عمل دستهایش سخن می‌گوید. روز تا روز، کلام را جاری می‌سازد، و شب تا شب، معرفت را اعلان می‌دارد» (مزمور ۱۹:۱-۲).

جهان در مورد خدا هرگز لب فرو نخواهد بست. اگر به نژاد بشر نگاهی بیندازیم، حتی چیزهای بیشتری دربارهٔ خدا خواهیم فهمید. اگر به **هوش، اخلاق، وجدان و احساسات** خود فکر کنیم، می‌فهمیم که خدا باید **نیکو، منطقی، عادل، اهل ارتباط و دوست‌داشتنی** باشد.

زمانی که این اطلاعات را از خلقت می‌گیریم و کنار هم می‌گذاریم، متوجه می‌شویم **خدا** *خالقِ قادرِ مطلق و حاکم بر همه چیز است. او نیکو و عادل است، و ما به عنوان مخلوقاتش وفاداری خودمان را به او مدیون هستیم.*

«زیرا آنچه از خدا می‌توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است. زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنیِ خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می‌توان با ادراک از امور جهانِ مخلوق، به‌روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست» (رومیان ۱:۱۹-۲۰).

STOP فکر می‌کنید خلقت دنیا و نژاد بشر دربارهٔ خدا چه چیزی می‌گویند؟

اگر خلقت به ما می‌گوید که توسط خدای قادر مطلق، نیکو و عادل خلق شده‌ایم، اگر به ما می‌گوید باید به او وفادار باشیم؛ پس:

چرا او را نادیده می‌گیریم، وانمود می‌کنیم وجود ندارد و بر اساس قید و شرط‌های خودمان زندگی می‌کنیم؟

رِینه از این پرسش‌ها خشمگین و برآشفته می‌شود: «منظورتان چیست که کوچک‌ترین اهمیتی به خدا نمی‌دهیم؟ این اصلا درست نیست! ما به خدا ایمان داریم. ما مردمانی نیک هستیم. پیت تمام عمرش را کار کرده است. من فرزندانم را خوب تربیت کرده‌ام. از نوه‌هایم مراقبت می‌کنم! به کلیسا می‌روم، دعا می‌کنم، در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کنم! این حرف سنگینی است. آیا شما در این باره کمی زیاده‌روی نمی‌کنید؟»

STOP نظر شما چیست؟ چه فکر می‌کنید؟

مکاشفهٔ عمومی

معلمان کتاب مقدس اطلاعاتی که از طبیعت به دست می‌آیند را «مکاشفهٔ عمومی» می‌نامند. این اطلاعات برای هر انسانی که پا روی زمین می‌گذارد، به‌رایگان در دسترس می‌باشد. به همین دلیل است که می‌توان گفت هر کسی چه در یک منطقهٔ فقیرنشین در اسکاتلند زندگی کند، چه اهل قبایل دوردست در ناکجاآباد باشد، **نزد خدا گناهکار است.**

هر کسی می‌داند خدا وجود دارد،
هر کسی می‌داند همه چیز را مدیون او هستیم،
هر کسی می‌داند باید از او اطاعت کنیم،
هر کسی می‌داند داوری خواهد آمد،
اما هیچ کس اهمیت نمی‌دهد.

STOP با توجه به مطالبی که تا به اینجا ارائه گردید و با درک نکات اصلی، آیا اکنون می‌فهمید چرا کتاب مقدس وجود دارد؟ پاسخ خود را شرح دهید.

مکاشفهٔ خاص

کتاب مقدس وجود دارد، چون در *خطر جدی قرار داریم و باید از خطراتی که در آن هستیم نجات پیدا کنیم.* **کتاب مقدس**، **مکاشفهٔ مهربانانه** و **فیض‌آمیزِ** خداوند از خویشتن است؛ خدایی که *از طریقِ شخصِ عیسی مسیح و عملِ او، خود را دوستدار و نجات‌بخشِ گناهکاران معرفی می‌کند.* معلمان کتاب مقدس این را «مکاشفهٔ خاص» می‌نامند. طبیعت به حد کافی اطلاعات در اختیار ما می‌گذارد تا بدانیم در خطر هستیم، اما اگر قرار است نجات یابیم، باید بیشتر از هر آنچه طبیعت در اختیار ما می‌گذارد، یاد بگیریم.

«مادربزرگ، می‌شود این آخر هفته برای ماهیگیری به کلبهٔ سیاه قدیمی برویم؟»

پیش‌از آنکه رِینه فرصت پاسخ دادن پیدا کند، پیت وسط می‌پرد و می‌گوید: «آخ، یادتان هست دفعهٔ قبل که آنجا رفتیم گم شدیم؟ در جادهٔ قدیمی به طرف لاچ فین بودیم. یادتان هست دیروقت و تاریک بود، هوا به‌شدت خراب بود و به خاطر سرما مدام شکایت می‌کردید؟ حتی با نقشه هم نتوانستیم آنجا را پیدا کنیم. در واقع شانس آوردیم اتفاقی به آنجا رسیدیم. من هرگز از دیدن آنجا آن‌قدر خوشحال نشده بودم، به‌خصوص وقتی آتش روشن کردیم و چای آماده شد.»

«اما پدربزرگ، این خیلی وقت پیش بود. آن‌قدر آنجا رفته‌ایم که راه را بلد هستیم. به هر حال روی گوشی‌های هوشمند، گوگل‌مپ داریم.»

پیت از گوشهٔ اتاق نیش‌خندی زد و گفت: «جدی؟ فکر می‌کنید گوشی‌هایتان آنجا چقدر خوب کار کنند؟ اگر فقط متکی به این ابزارها باشید، به دردسر می‌افتید، وقتی باد شروع شود، باران ببارد، گم شوید، سرد باشد و یا گوشی‌ها آنتن ندهند، این گوشی‌های هوشمند به چه دردی می‌خورند؟ تنها می‌مانید و در تاریکی گم می‌شوید.»

از جهتی همگی ما این‌گونه هستیم. ما زندگی خود را در تاریکی سپری می‌کنیم. نیروهای خارج از کنترل و درک ما، به ما ضربه می‌زنند و ما را متلاشی می‌کنند. یک ایدهٔ مبهم دربارهٔ اینکه دوست داریم کجا باشیم، داریم؛ اما هیچ درکی برای اینکه چگونه به امنیت برسیم، نداریم. در تمام این مدت، ما هیچ سرنخی از اینکه چقدر در معرض خطر هستیم، نداریم.

این تصویری از جایگاه معنوی هر بشری در دنیاست، مگر خدا به ما بگوید چگونه می‌توانیم نجات یابیم.



«کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است» (مزمور ۱۱۹:۱۰۵).

کتاب مقدس نوری در تاریکی برای گمشدگان است. کتاب مقدس وجود دارد چون خدا رحیم، سخاوتمند، مهربان و دلسوز است. *او می‌خواهد کسانی که خلق کرده است توبه کنند و از گناه و داوری نجات یابند.*

STOP آیا فکر می‌کنید خدا از مردن شخص شریر خشنود می‌شود؟



«خداوندگارْ یهوه می‌فرماید: آیا براستی من از مردن شخص شریر خشنود می‌شوم؟ نه! بلکه از اینکه او از راههای خود بازگشت کند و زنده بماند» (حزقیال ۱۸:۲۳).

کتاب مقدس پیام رستگاری خدا برای گناهکاران است. شبانی در آمریکا به نام *کِوین دی‌یانگ* می‌نویسد:

«خدا سخن می‌گوید، اما سخن نمی‌گوید که فقط شنیده شود و اطلاعات را انتقال دهد. او سخن می‌گوید تا ما بتوانیم ناشناخته‌ها را بشناسیم و ناپیداها را بفهمیم. شاید فکر کنید همه چیز را دیده و شنیده‌اید و همهٔ چیزهای قابل تجربه را تجربه کرده‌اید. اما شما ندیده و نشنیده‌اید یا تصور نکرده‌اید که خدای محبت چه چیزی برای کسانی که دوستشان دارد، فراهم کرده است. این خبر خوش صلیب است. این خبر خوش برای بخشش و نجات است. این خبر خوش را در هیچ کجای دیگری

نخواهید شنید، مگر در کلام خدا.»

کتاب مقدس، کلام خدا به انسان است؛
کتاب مقدس، مکاشفهٔ خدا از مهربانی و سخاوت اوست؛
شامل داستان نجات است؛
برای ما آشکار می‌سازد که **تنها راه نجات ما** به *واسطهٔ ایمان به عیسای* مسیح است.

STOP کتاب مقدس کلام خداست، اما چه کسی تمام آن را نوشت؟

کتاب مقدس در واقع یک کتابخانهٔ قابل حمل است. مجموعه‌ای شامل شصت‌وشش کتاب، که طی هزار و پانصد سال، توسط بیش از چهل نفر به سه زبان عبری، کمی زبان آرامی و یونانی نوشته شد.

این شصت‌وشش کتاب، ترکیبی از سبک‌ها و گونه‌های مختلف هستند؛ کتاب‌های تاریخی، بیوگرافی، شجره‌نامه، قوانین و مقررات، موعظه، رساله، سرودهای نیایشی، امثال و پندها، نبوت و ادبیات آخرالزمانی است. به رغم تفاوت در این سبک‌ها، *تمامی این کتب خدای یکسانی را مکاشفه کرده و انجیل یکسانی از عیسای مسیح را بیان می‌کنند.*

کتاب مقدس با داستان خلقت و نافرمانی ما از خدا در فصل‌های یک تا سه پیدایش آغاز می‌شود. سپس داستان، آشکارا نجات مسیح را ترسیم می‌کند.

کتاب مقدس به دو بخش مهم تقسیم می‌شود:

عهد عتیق، شامل سی‌ونُه کتاب است که توسط انبیایی همچون موسی، یوشع، داوود، دانیال و عاموس نوشته شد. این افراد پیشینه‌های متفاوت و تجربیات متفاوتی داشتند. هر یک از خدا الهام گرفتند تا کلام او را ثبت

کنند. آنها داستان قوم اسرائیل را نقل کردند، قومی که از سوی خدا انتخاب شد تا دنیا را برکت دهد و نجات را برای قوم خدا به ارمغان آورد.

قسمت دوم کتاب مقدس، **عهد جدید** شامل بیست‌وهفت کتاب است که افرادی کاملا متفاوت از هم، از جمله رسولان (شاهدین عینی زندگی عیسی) و همراهان نزدیک آنها نگاشته‌اند؛ افرادی مانند متی، یوحنا، لوقا، پطرس و پولس. این افراد داستان زندگی، خدمت، مرگ و رستاخیز عیسای ناصری، پادشاه نجات‌دهنده، تحقق‌دهندهٔ وعدهٔ خدا برای برکت دادن کل دنیا از طریق اسرائیل را نقل می‌کنند. سپس داستان پیدایش کلیسا را ثبت می‌کنند که هم دلیل و هم ابزار برکت خدا در دنیا از طریق نجات قوم اوست.

پطرس رسول در نامهٔ دوم خود به ما می‌گوید که این **شصت‌وشش** کتاب چگونه نوشته شدند:

«قبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحیِ کتب مقدّس زاییدهٔ تفسیر خودِ نبی نیست. زیرا وحی هیچ‌گاه به ارادهٔ انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح‌القدس از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱:۲۰-۲۱).

در این آیات پطرس به ما می‌گوید کتاب مقدس هم کلام خداست و هم کلام انسان. او می‌گوید کتاب مقدس مجموعه‌ای تصادفی از حرف‌های بی‌معنای ساختگی نیست، بلکه روح‌القدس بر آن افراد نازل شده و از او الهام گرفتند؛ در نتیجه هر آنچه از خدا شنیدند را گفتند و نوشتند.

STOP بنابراین آیا این مردان بودند که درست مانند ربات‌های خداوند کتاب مقدس را نوشتند؟ فکر می‌کنید منظور از «نازل شدن روح‌القدس و الهام او» چیست؟

«تمامی کتبِ مقدّس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کارِ نیکو تجهیز گردد» (دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷).

این آیات به ما می‌گویند که هر کلمه از کتاب مقدس، با وجود آنکه بیش از چهل نفر آن را نوشتند، الهام خداست. بنابراین می‌دانیم که می‌توان به آن اعتماد کرد. همچنین بدین معناست که باید از آن اطاعت نمود. در فصل سوم به‌تفصیل به بررسی موضوع **الهام خدا** خواهیم پرداخت.

گرچه کتاب مقدس نویسندگان و سبک‌های مختلف نوشتاری دارد، اما به‌روشنی هر چیزی را که برای شناخت خدا، نجات از گناهان و زندگی خداگونه نیاز داریم برای ما آشکار می‌سازد!

حتی اگر حاوی مفاهیم دشوار و حقایق چالش‌برانگیز بسیاری باشد، اما پیام اصلی آن این است:

خدا خالقی نیک و داور جهان است،
تمام انسان‌ها ذاتا و با انتخاب خویش گناهکارند،
همگی ما علیه خدا طغیان کرده‌ایم،
همگی ما سزاوار خشم عادلانهٔ او هستیم که در جهنم گریبانگیر ما می‌شود، تا ابد.

اما خوشبختانه به اینجا ختم نمی‌شود. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد: خدا با محبت و مهربانی وصف‌ناپذیر خود، پسرش عیسی را به این دنیا فرستاد تا:

طوری زندگی کند که ما هرگز زندگی نکرده بودیم،

زندگی کاملی که خدا ملزم ساخته است،
به مرگی دچار شود که ما سزاوار آن هستیم،
عیسی گناه قوم خود و مجازات ما را به خود گرفت،
و زنده شد تا ما بتوانیم زندگی کنیم،
به واسطهٔ توبه و ایمان در مسیح، از گناه و داوری نجات یابیم.
این پیام، واضح است. در هر صفحه از کتاب آشکار است و حتی برای یک کودک قابل درک می‌باشد.

کتاب مقدس از خدایی که سخن می‌گوید، نشأت می‌گیرد؛ خدایی که اشتیاق محبت‌آمیز او این است که خودش را برای گناهکاران آشکار سازد و آنها را نجات دهد.

این کلام الهام‌شدهٔ اوست که تعداد زیادی از افراد طی بیش از ۱۵۰۰ سال آن را نوشتند تا هر آنچه برای شناخت خدا و نجات از گناهان به واسطهٔ ایمان در عیسای مسیح نیاز داریم را برایمان آشکار سازد.

کتاب مقدس کلام واقعی و راستین خداست که بیش از چهل نفر با الهام از خدا به واسطهٔ روح‌القدس برای ما نوشتند. این کلام، قادر است برای نجات ما از طریق ایمان به عیسای مسیح به ما حکمت دهد، و ما را در طول زندگی‌مان در راه عیسای مسیح مفید و کارآمد کند.

«آسمان جلال خدا را بیان می‌کند، و فَلَک از عمل دستهایش سخن می‌گوید. روز تا روز، کلام را جاری می‌سازد، و شب تا شب، معرفت را اعلان می‌دارد» (مزمور ۱۹:۱-۲).





نکته چیست؟

کتاب مقدس، کلام کامل خداست.



۲

کتاب مقدس از کجا آمده است؟

قسمت دوم (کانُن)



رِینه داشت شام درست می‌کرد و پیت پشت میز آشپزخانه نشسته بود و روزنامه‌اش را می‌خواند: «عزیزم، من باید امشب زودتر شام را آماده کنم، چون قصد دارم برای مطالعهٔ کتاب مقدس به کلیسا بروم.»

پیت نگاهش را از روزنامه بلند کرد و گفت: «نیازی نیست زیاد به هر آنچه این گروه می‌گویند توجه کنی. من این هفته مستندی تاریخی را تماشا می‌کردم که می‌گفت کتاب مقدس از یک سری افسانه و اسطوره درست شده است. کمی از این افسانه‌ها از مذاهب مختلف و مردمان آن روزگار گرفته شده بودند. آنها می‌گفتند انگار بهترین تکه‌ها را برداشته و با هم ترکیب کرده بودند تا قطعهٔ مربوط به خودشان را بسازند. رِینه، به تو بگویم همهٔ اینها یاوه و چرند هستند.»

STOP نظر شما چیست؟ فکر می‌کنید کتاب مقدس از کجا می‌آید؟

تعجبی ندارد که پیت کمی گیج شده است. او مستندی را تماشا کرده بود که مجری آن مدعی بود تمام شصت‌وشش کتاب از کتاب مقدس توسط یک شورای مخفی با دستورالعملی مخفی در قرن چهارم جمع‌آوری شده‌اند. در حقیقت بر اساس این برنامهٔ تلویزیونی کتاب‌های دیگری وجود داشتند که داستانی متفاوت را روایت می‌کردند و کلیسا از انتشار آنها جلوگیری کرده است.

تمام شصت‌وشش کتاب از کتاب مقدس به «کانُن کتاب مقدس» معروف هستند. کلمهٔ انگلیسی کانُن با یک N نوشته می‌شود، نه دو تا (canon). این واژهٔ یونانی به معنای «چوب اندازه‌گیری» است، و از آن استفاده می‌کردند تا به استاندارد بودن یا نبودن چیزی پی ببرند. اکنون وقتی می‌گوییم چیزی کانُن است، صرفا روشی است برای اینکه بگوییم آن چیز «رسمی» یا «معتبر» است.

STOP آیا متوجه شدید؟ این کلمهٔ عجیب و غریبی است، اما مساوی با مقررات می‌باشد. چه چیزی باعث می‌شود موضوعی را معتبر بدانیم؟ چه چیزی آن موضوع را قابل اعتماد می‌کند؟ آیا می‌توانید دلایلی ذکر کنید که چرا این شصت‌وشش کتاب را معتبر و اصلی می‌دانند؟

دو اشتباه و برداشت غلط رایج در رابطه با «کانُن» وجود دارد. اول، اینکه گمان کنیم حدود سال ۹۹ پس از میلاد، وقتی یوحنای رسول کتاب مکاشفه را در جزیرهٔ «پاتموس» می‌نوشت، تمام شصت‌وشش کتاب یک‌باره از آسمان فرو افتادند و یکشنبهٔ بعدی تحویل کلیسا داده شدند؛ درست همان‌طور که ما کتاب مقدس خودمان را روی نیمکت‌های کلیسا می‌گذاریم. دوم، اینکه گمان کنیم تا قرن چهارم چند مرد خوش‌لباس و ریش‌دار تصمیم گرفتند چندین

کتاب را از میان کائن‌ها جدا کنند تا دستورالعمل‌های خودشان را ارائه دهند.

STOP فکر می‌کنید چرا مهم است که بدانیم کتاب مقدس چگونه جمع‌آوری شده است؟



رِینه علاقهٔ زیادی به پازل دارد. او بیشتر، پازل ۲۵۰۰ تکه‌ای را دوست دارد و به تصاویر بچه‌گربه‌ها علاقه‌مند است. او زیاد پازل می‌خرد و همیشه به دنبال مغازه‌های خیریه است تا پازل دست دوم و ارزان‌قیمت پیدا کند. صادقانه بگویم که پیت خرید تعداد بیشتر و آویزان کردن در خانه را ممنوع کرده بود. آن تعداد پازل از تحمل یک مرد خارج است!

یک‌بار رِینه خواست به نوعی ماجراجویی کند و سه پازل را با هم روی میز ناهارخوری گذاشت؛ تصویر یک کشور زیبا، چشم لندن (چرخ و فلک بزرگ شهر لندن) و عکس یک دلفین. پسرها داشتند با هم دعوا می‌کردند که ناگهان به میز برخورد کردند و تمام تکه‌های پازل‌ها روی هوا رفته و با هم قاطی شدند. پسرها تازه فهمیدند چه کرده‌اند. پس مشت‌مشت تکه‌ها را جمع کردند و روی میز، روی هم انباشتند. رِینه از کجا باید شروع می‌کرد؟ چطور باید تکه‌های هر پازل را پیدا می‌کرد و در جعبهٔ خودش می‌گذاشت؟ پیت مثل همیشه آمادهٔ پیشنهاد دادن بود. او گفت من دو پیشنهاد دارم: «اول، اینکه ببینیم تکه‌های لبه‌دار هر کدام مربوط به کدام تصویر هستند و دوم، اینکه از خودت بپرس آیا بقیهٔ تکه‌ها با آنها مطابقت دارند یا نه و آیا تصویر یکدستی به دست می‌آید؟»

STOP به کائن کتاب مقدس، فکر کنید. آیا مثال پازل می‌تواند به شما کمک کند تا بفهمید چطور باید آنها را کنار هم بگذارید؟

وقتی به تشخیص کانُن واقعی کتاب مقدس فکر می‌کنیم، بهتر است به یاد داشته باشیم، همان روح‌القدسی که کتاب مقدس را الهام نمود، اینجا نیز حضور دارد و طی ادوار مختلف در کار است تا حکمت و قوهٔ تمیز دادن لازم، برای جدا کردن حقیقت از دروغ را به ما بدهد.



«امور پیشین را از ایام کهن به یاد آورید؛ من خدا هستم و جز من کسی نیست؛ من خدا هستم و همانند من نیست. انتها را از ابتدا بیان می‌کنم و آنچه را که هنوز انجام نشده از قدیم. می‌گویم: "تدبیر من برقرار خواهد ماند، و تمامی خشنودی خود را به جا خواهم آورد"» (اشعیا ۴۶:۹-۱۰).

وظیفهٔ تشخیص کانُن فقط به عهدهٔ آن مردان نبود. بلکه خدا خودش به‌تنهایی، اما توسط قومش آن را انجام داد. بنابراین این کار با چه دقتی انجام شد؟ باید نگاهی به دو قسمت کتاب مقدس بیندازیم؛ عهد عتیق و عهد جدید.

کانُن عهد عتیق

STOP آیا می‌دانید پنج کتاب اول کتاب مقدس کدام‌اند؟
پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه

این پنج کتاب را شخصی به نام موسی نوشته است. موسی مهم‌ترین و برجسته‌ترین فرد عهد عتیق است. نوشته‌های او اساس کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند. این پنج کتاب موسی، در کنار هم، تورات نامیده می‌شوند. تورات یک واژهٔ عبری به معنای «شریعت» است. خدا به صورت مستقیم روی کوه حوریب در بیابان سینا، پس از آنکه قوم خود یعنی اسرائیل را از

بردگی در سرزمین مصر نجات داد، تورات را به موسی داد.

STOP چقدر هیجان‌انگیز! خدا خودش شریعت را به موسی داد. فکر می‌کنید آن لحظه چه چیزهایی از ذهن موسی گذشت؟

این پنج کتاب موارد زیر را به تصویر می‌کشند:

- **تاریخ جهان از آغاز خلقت تا سقوط**
- **آغاز داستان نجات**
- **دعوت ابراهیم**
- **تولد قوم اسرائیل**
- **ورود آنها به مصر**
- **رهایی از بردگی**
- **دادن شریعت به موسی در حوریب**
- **ساخت خیمه**
- **تشکیل کهانت لاویان**
- **و سفر به سرزمین موعود**

تورات شامل ۶۱۳ فرمان می‌باشد که خدا به قومش داده است. این فرامین از یک‌سو، به وعدهٔ زندگی و برکت در ازایِ اطاعت و وفای به عهد مربوط هستند و از سوی دیگر از داوری و لعنت و مرگ در ازایِ نافرمانی و عدم وفای به عهد صحبت می‌کنند.

«پس فرایض و قوانین مرا نگاه دارید؛ انسانی که اینها را به عمل آورَد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت: من یهوه هستم» (لاویان ۵:۱۸).

تورات اهمیت بسزایی دارد، زیرا بسیاری از افرادی که کتاب مقدس را نوشتند، بارها و بارها در نوشته‌های خود از آن نقل قول می‌کنند.

STOP توقف کنید و به آن بیندیشید، زیرا چیزهای زیادی در آن هست. فکر می‌کنید چرا نویسندگان کتاب مقدس این همه به تورات اشاره می‌کنند؟

این ایدهٔ بازنگری به عقب و ارجاع را «خوداندیشی» می‌نامند و این، یکی از روش‌های تشخیص کتاب مقدس حقیقی است.

به مثال پازل‌های رِینه بازگردیم. آیا آنها با هم تطبیق پیدا می‌کنند و تصویری منسجم می‌سازند؟ به عبارتی دیگر آیا کتاب مقدس به هم مرتبط می‌شوند تا تصویر کاملی بسازند؟



«فقط قوی و بسیار دلیر باش؛ دقت کن تا مطابق تمامی شریعتی که خادم من موسی تو را بدان حکم کرده است، عمل نمایی. از آن به چپ یا راست منحرف مشو، تا به هر جا که می‌روی کامیاب گردی. این کتاب تورات از دهان تو دور نشود. روز و شب در آن تأمل کن تا مطابق هرآنچه در آن نوشته شده به دقت عمل نمایی. آنگاه راه خود را فیروز خواهی ساخت و کامیاب خواهی شد. آیا تو را امر نکردم؟ قوی و دلیر باش. مترس و هراسان مباش، زیرا هر جا که بروی، یهوه خدایت با تو خواهد بود» (یوشع ۱:۷-۹).

این الگو در سراسر عهد عتیق ادامه پیدا می‌کند. عهد عتیق بر پایهٔ تورات بنا شده است و با ارجاع به آن، به ما نشان می‌دهد که چگونه وعده‌های داده‌شده در تورات، یکی پس از دیگری در حال محقق شدن هستند. زمانی

که انبیا وارد صحنه می‌شوند، می‌بینیم که شریعت را موعظه می‌کنند، از قوم نافرمان می‌خواهند با اطاعت از فرامین توبه کنند و به سوی خداوند بازگردند. پیامدهای انکار شریعت، کاملا واضح بودند:



«از این رو همان‌گونه که زبانه‌های آتش کاه را فرو می‌بلعد و علفِ خشک در شعله محو می‌شود، به همین‌سان ریشهٔ ایشان خواهد گندید، و شکوفهٔ ایشان چون دوده بالا خواهد رفت، زیرا شریعت خداوندِ لشکرها را نپذیرفتند و کلام قدوس اسرائیل را خوار شمردند» (اشعیا ۲۴:۵).

کتاب‌های شعر و حکمت، مانند مزامیر و امثال نیز بازتاب تورات هستند و بر مبنای آن نوشته شدند، زیرا نویسندگان آنها بیان می‌کنند که زندگی در اطاعت از کلام خدا چگونه است و در مورد پیامدهای گناه تعمق می‌کنند. در اینجا دو نمونه را ذکر می‌کنیم:

«شریعت خداوند کامل است، و جان را احیا می‌کند. شهادات خداوند امین است، و ساده‌لوحان را حکیم می‌گرداند» (مزمور ۷:۱۹).

«آنان که به شریعت پشت می‌کنند، شریران را می‌ستایند، اما آنان که شریعت را نگاه می‌دارند، به مبارزه با ایشان برمی‌خیزند» (امثال ۴:۲۸).

کانُن عهد جدید

زمانی که به عهد جدید می‌رسیم، متوجه می‌شویم بارها در آن به عهد عتیق اشاره شده و دربارهٔ آنها تعمق کرده است. در حقیقت عهد جدید با شجره‌نامهٔ خانوادگی عیسی آغاز می‌شود و نیاکان او را از قرن‌ها پیش و با توجه به داستان عهد عتیق به تصویر می‌کشد. برای مثال در متی ۱۷:۱۲ می‌خوانیم: «این واقع شد تا گفتهٔ اِشعیای نبی به انجام رسد.»



«آنگاه چنین سخن آغاز کرد: "امروز این نوشته، هنگامی که بدان گوش فرا می‌دادید، جامهٔ عمل پوشید"» (لوقا ۴:۲۱).

پس از مرگ و رستاخیز، عیسی با شاگردانش ملاقات می‌کند و در حالی که احتمالا بهترین جلسهٔ مطالعهٔ کتاب مقدس در تاریخ را رهبری می‌کند، به کامل شدن عهد عتیق اشاره می‌کند.



«آنگاه به ایشان گفت: "این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر دربارهٔ من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد." سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند» (لوقا ۲۴:۴۴-۴۵).

عبارات «تورات موسی و کتاب انبیا و مزامیر»، به سه قسمت عهد عتیق عبری اشاره دارند. در عین حال این الگوی بازتاب و ارجاع به عهد عتیق، در کل عهد جدید ادامه دارد؛ زمانی که شاگردان توضیح می‌دهند که چگونه عیسی همان مسیحاست و تلاش می‌کنند تا زندگی حکیمانه را به کلیسا تعلیم دهند.

پس در مورد عهد جدید چطور؟ چطور به وجود آمد؟ چه کسی یا چیزی تصمیم گرفت کدام کتاب‌ها در عهد جدید باشند و کدام یک نباشند؟ درست مانند عهد عتیق، «خوداندیشی» مبنای درک این پروسه است.

در رسالهٔ اول قرنتیان (۵۳-۵۴ میلادی) می‌بینیم پولس به حوادث شام خداوند که در اناجیل ثبت شده است، اشاره می‌کند.

در انتهای رسالهٔ دوم پطرس فصل سه، پطرس رسول در مورد نوشته‌های

پولس بحث کرده و بیان می‌کند گرچه درک نامه‌های او دشوار بود، اما کلیسا نباید آنها را نادیده بگیرد، زیرا آنها کتاب مقدس هستند. کلیسا چهار معیار ارائه می‌دهد تا تعیین کند کدام کتاب در کانُن کتاب مقدس پذیرفته شود. آنها عبارت‌اند از **قدمت، منتصب به رسولان، تطابق، پذیرش.**

معیار قدمت: آیا این کتاب از زمان درستی آمده است؟

معیار منتصب به رسولان: آیا یکی از رسولان و یا یکی از همراهان آنها آن را نوشته است؟

معیار تطابق: آیا این کتاب، آموزه‌ای مطابق با بقیهٔ کتاب مقدس تعلیم می‌دهد؟

معیار پذیرش: آیا این کتاب در کلیسای جهانی به عنوان کتاب مقدس پذیرفته شده است؟

بیایید نگاهی به نمونه‌ای از نوشته‌هایی بیندازیم که در کانُن عهد جدید پذیرفته نشدند. در کتابی به نام **انجیل توما** می‌خوانیم: «*عیسی گفت: وقتی آن چیزی را که درون خود دارید آشکار کنید، آنچه در شماست نجات‌دهندهٔ شماست. اما اگر آن را درون خود نداشته باشید، آنچه در شما نیست، شما را نابود خواهد کرد.*»

حال آن را با آموزه‌های دو کتابی که در کانُن پذیرفته شده‌اند، مقایسه کنید:

«امّا آنچه از دهان بیرون می‌آید، از دل سرچشمه می‌گیرد، و این است آنچه آدمی را نجس می‌سازد. زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی‌عفتی، دزدی، شهادتِ دروغ و تهمت سرچشمه می‌گیرد» (متی ۱۵:۱۸-۱۹).

«زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چراکه از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد، و کسانی که در حاکمیتِ نَفْس هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند» (رومیان ۸:۷-۸).

انجیل مشهور توما تعلیم می‌دهد که می‌توانیم با نگاهی به درون خویش، خودمان را نجات دهیم، اما کتاب مقدس حقیقی توضیح می‌دهد که ما به هیچ وجه قادر به نجات خودمان نیستیم. چرا که هر آنچه از درون ما می‌آید، شیطانی است. دلیل عدم پذیرش انجیل توما در کتاب مقدس را به‌وضوح می‌توان فهمید. آب و روغن با هم ترکیب نمی‌شوند. اگر تکه‌های پازل با هم تطابق نداشته باشند، تصویری منطقی به دست نمی‌آید. در مورد انجیل مریم، انجیل یهودا و دیگر نوشته‌های معنوی قرون دوم و چهارم نیز همین موضوع صدق می‌کند.

تا سال ۳۶۷ پس از میلاد، اولین فهرست کامل بیست‌وهفت کتاب عهد جدید را می‌بینیم. سپس در سال ۳۹۷ در شورای محلی کارتاژ، جلسه‌ای با حضور چهره‌های برجستهٔ کلیسا تشکیل شد و آنها شصت‌وشش کتاب را به رسمیت شناختند که امروزه نیز کامل و تمام‌شده محسوب می‌شود.

مطالب آنلاین را باور نکنید. هیچ توطئه و دستور کار پنهانی در این کانُن وجود ندارد. کتاب‌های کتاب مقدس به رسمیت شناخته شدند، چون مشروع و معتبر هستند. کتاب‌هایی که کنار گذاشته شدند، تطابقی نداشتند، چون یا در مورد نویسندگان دروغ می‌گفتند یا تاریخ آنها مطابقت نداشتند یا مهم‌تر از آن، در مورد عیسی اشتباه می‌گفتند. ما صد در صد مطمئن هستیم هر آنچه امروز در دست داریم، کلام مکاشفه‌شدهٔ خدا به نسل بشر است.

تمامی کتبِ مقدّس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کارِ نیکو تجهیز گردد» (دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷).



نکته چیست؟

هر کلمه‌ای از کتاب مقدس،

کلام خداست.



۳

چگونه بدانیم که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟

بخش اول (الهام)

تا اینجا بررسی کردیم که کتاب مقدس از کجا می‌آید، چگونه و چرا شصت‌وشش کتابی که کانُن را تشکیل می‌دهند را به رسمیت می‌شناسیم. ما گفتیم کتاب مقدس الهام خداست؛ از این کتاب‌ها تشکیل شده است که توسط بیش از چهل نفر، طی بیشتر از هزار و پانصد سال نوشته شده تا هر چیزی برای شناخت خدا و نجات از گناه، از طریق ایمان به عیسای مسیح نیاز داریم را برای ما آشکار سازد.

اما دقیقا منظورمان چیست وقتی می‌گوییم کتاب مقدس الهام خدا هست و این چه اهمیتی دارد؟

STOP فکر می‌کنید منظورمان چیست وقتی می‌گوییم کتاب مقدس الهام شده است؟

«تمامی کتبِ مقدّس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کارِ نیکو تجهیز گردد» (دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷).

من قصد دارم از شما بخواهم کار احمقانه‌ای انجام دهید، اما این کار به ما کمک می‌کند بفهمیم منظور پولس رسول چیست وقتی می‌گوید: «تمامی کتاب مقدس الهام خداست.»

دستتان را تقریبا در یک اینچی دهانتان نگه دارید و معمولی صحبت کنید. مهم نیست چه می‌گویید، واقعیت این است که نفَس خودتان را روی دستتان احساس می‌کنید و فقط همین مهم است. مهم نیست آرام صحبت کنید یا بلند. فرقی ندارد فریاد بزنید یا زمزمه کنید؛ در هر حال این قدرت نفَس شماست. اکنون سعی کنید بدون آنکه نفَستان را بیرون دهید، حرف بزنید. غیرممکن است!

وقتی پولس می‌گوید تمامی کتاب مقدس الهام خداست، از کلمهٔ یونانی Theopneustos به معنای «نفَس خدا» استفاده می‌کند. بعضی از نسخه‌های انگلیسی، آن را این‌گونه ترجمه می‌کنند: «*تمام کتاب مقدس، نفَسِ دمیده از خداست.*» پولس می‌خواهد ما بفهمیم روح‌القدس به هر کلمه‌ای که نویسندگان کتاب مقدس می‌نویسند، قدرت می‌دهد؛ درست مانند نفَسی که از ما بیرون می‌آید و تبدیل به کلام می‌شود.

STOP به نظر شما چرا مهم است که کتاب مقدس توسط خدا دمیده شده است؟

درک این موضوع بسیار مهم است، زیرا وقتی کلمهٔ «الهام» را می‌شنوید، مفهوم دقیق آن کاملا مبهم است.



رِینه از طرفداران پروپاقرص برنامهٔ «کیک‌پزی بزرگ بریتانیا» است و این برنامه را هر هفته تماشا می‌کند و این هفته شامل پخت کیک‌های مربوط به مناسبت‌های خاص بود و یکی از شرکت‌کننده‌ها، کیک بسیار هیجان‌انگیز و تماشایی «فرشتهٔ پرنسس» را درست کرد. ساختار کیک سه‌طبقه بود؛ هر طبقه با خامهٔ کره‌ای به رنگ متفاوتی پوشیده شد و روی آن ورق‌های طلایی و پرزرق‌وبرق پاشیده بود. یک فرشتهٔ خیره‌کننده در بالای آن با تزئینات خامه دیده می‌شد. خیلی باشکوه و زیبا به نظر می‌رسید؛ حتما دیزی (نوهٔ دختری او) برای جشن تولد هفتهٔ بعد عاشق آن می‌شود. رِینه قبلا چنین کیک پردردسری درست نکرده بود، اما از هر آنچه در تلویزیون دیده بود، الهام گرفت و می‌خواست خلاقیت خود را به نمایش بگذارد. حدود پنج ساعت در آشپزخانه دور خودش چرخید. نتیجهٔ خلاقیت او چندان شبیه کیک نبود، بلکه بیشتر شبیه یک کوه پرزرق‌وبرق له‌شده به نظر می‌رسید که گویی یک گَرگویل[1] بالدار بالای آن نشسته بود! او از برنامهٔ تلویزیونی، الهام گرفته بود اما نتیجهٔ آن چیزی جز آشفتگی و درهم‌ریختگی نبود.

ما امروزه از کلمهٔ «الهام» چندان استفاده نمی‌کنیم. مثلا می‌گوییم یک قطعهٔ موسیقی الهام‌بخش است، یا از گفت‌وگوی الهام‌بخش یک مربی فوتبال در بین دو نیمه حرف می‌زنیم یا از الهام‌بخش بودن یک کودک بیمار که در دوی ماراتن لندن شرکت کرده، صحبت می‌کنیم. در تمام این نمونه‌ها می‌توانیم کلمهٔ «انگیزه» را جایگزین الهام کنیم و مفهوم، هیچ تغییری نکند. اما در مورد دوم تیموتائوس ۱۶:۳ نمی‌توان چنین کرد. روح‌القدس به نویسندگان کتاب مقدس انگیزهٔ نوشتن نداد. او کلام خدا را از طریق آنها از نَفَس خدا دمید.

---

۱. Winged Gargoyle؛ موجودی خیالی و سنگین است که در فضای معماری گوتیک استفاده می‌شده است.

«قبـل از هـر چیز، بدانید که هیچ وحیِ کتب مقدّس زاییدهٔ تفسـیر خودِ نبی نیست. زیرا وحی هیچ‌گاه به ارادهٔ انسان آورده نشد، بلکه آدمیـان تحـت نفـوذ روح‌القـدس از جانـب خـدا سـخن گفتنـد» (دوم پطرس ۱:۲۰-۲۱).

STOP مـا قبـلا بـه این موضـوع توجـه کرده‌ایـم، اما فکـر می‌کنیـد منظور از «تحت نفوذ روح‌القدس» چیست؟

در دوم پطرس فصل یک، پطرس رسول، کتاب مقدس را این‌گونه شرح می‌دهد که هیچ وحی کتاب مقدس به ارادهٔ انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح‌القدس از جانب خدا سخن گفتند. فرض کنید یک قایق تفریحی روی آب در حرکت است، روح‌القدس همچون نسیمی روی قایق می‌وزد و بر نویسندگان کتاب مقدس تاثیر می‌گذارد؛ اینجاست که منظور پطرس را خوب متوجه می‌شوید.

وقتی پطرس می‌گوید کتاب مقدس از تفسیر خود نویسندگان نیامده است؛ یعنی می‌گوید آنها پیام سربسته‌ای از خدا نگرفتند و مفهوم آن را هم حدس نزدند. کتاب مقدس از بهترین حدسیات رسولان و انبیا دربارهٔ هر آنچه خدا به آنها سپرده، ساخته نشده است. خیر، روح‌القدس در درون آنها حرکت کرد تا اطمینان یابد کلامش به کمال در آن صفحات نوشته شده است.

STOP فکر می‌کنید چرا این‌قدر مهم است که بفهمیم کتاب مقدس کلام واقعی خداست و از بشر نیست؟

کانُن عهد جدید

جملهٔ «بنابراین خداوند می‌گوید» آشکارا و مکررا در سراسر عهد عتیق آمده و عبارت «این همان چیزی است که خداوند می‌گوید» نیز در تمام نوشته‌های انبیا تکرار شده است.



«پس از آن، موسی و هارون نزد فرعون رفته، وی را گفتند: یهوه خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: "قوم مرا رها کن تا در صحرا برای من عیدی نگاه دارند"» (خروج ۱:۵).

STOP عهد عتیق، مکررا عبارت «بنابراین خداوند می‌گوید» را در کتاب مقدس تکرار می‌کند. فکر می‌کنید آیا این جمله می‌خواهد نکتهٔ مهمی را ذکر کند؟ اگر چنین است چه نکته‌ای؟



رِینه دست‌های نوه‌اش را محکم گرفت و گفت: «دست نزن، چند بار بگویم؟» پیت حتی قبل از آنکه نگاه کند هم می‌دانست نوه‌اش به چه چیزی دست زده است. او عاشق چرخاندن دستگیره‌های اجاق گاز و تماشای خاموش شدن شعله‌ها بود. رِینه می‌ترسید انگشتانش را بسوزاند. «تو هیچ وقت گوش نمی‌دهی. دست کم تا حالا صد بار گفتم با اینها بازی نکن! برو و روی پله بنشین خانم جوان! قبل از اینکه توبیخت کنم.»

گاهی چیزهایی به ما گفته می‌شود که دیگر نمی‌خواهیم بشنویم. نویسندگان عهد عتیق، عبارت «بنابراین خداوند می‌گوید» را بیشتر از چهارصد بار تکرار کرده‌اند. وقتی این عبارت را این همه تکرار می‌کنند؛ پس حتما موضوع مهمی است و باید گوش کنیم. آنها به دلیل واقعا ساده‌ای آن را به کار نبرده‌اند. آنها

می‌خواستند خوانندگان و شنوندگانشان بفهمند که کلام خدا را به آنها انتقال داده‌اند. این همان چیزی است که خدا می‌گوید و می‌خواهد که ما آن را درک کنیم. این ادعای مصرانه در سراسر کتاب مقدس دیده می‌شود.

نویسندگان به‌شدت مایل‌اند ما به این واقعیت پی ببریم. **خدا سخن می‌گوید و وقتی سخن می‌گوید ما باید گوش فرا دهیم!** کتاب مقدس به ما می‌گوید: *خدا قادر مطلق، دانای مطلق، خالق، محافظ و داور عادل است.*

او *پادشاه جهان است.* وقتی می‌گوییم پادشاه، منظور یک سلسله پادشاهی مانند هر آنچه در اروپای مدرن می‌بینیم، نیست. منظور یک فرمانروای مطلق است که *کلامش شریعت است، قدرتش تصورناپذیر و حکومتش تغییرناپذیر است.* در کتاب دانیال فصل چهارم، نبوکدنصر بابلی یکی از قدرتمندترین پادشاهان تاریخ جهان در مورد خدا چنین می‌گوید:

«در پایان آن روزها، من، نبوکدنصر، چشمان خود را به سوی آسمان برافراشتم، و عقل من به من برگشت. آنگاه آن متعال را متبارک خواندم و او را که تا به ابد زنده است، ستایش و تکریم کردم. زیرا سلطنت او سلطنتی است جاودانی، و پادشاهی‌اش، نسل اندر نسل؛ ساکنان زمین جملگی هیچ شمرده می‌شوند، و او بر طبق ارادهٔ خویش عمل می‌کند، در میان لشکر آسمان و ساکنان زمین. کسی را یارای آن نیست که دست او را بازدارد، یا او را بگوید: "چه کرده‌ای؟"» (دانیال ۴:۳۴-۳۵).

اگر قدرتمندترین پادشاه زمین اعلام می‌دارد که در مقابل پادشاه جهان قدرتی ندارد، پس کاملا منطقی است که ما نیز به این واقعیت اذعان کنیم و فروتن باشیم و به کلام خدا توجه نماییم.

STOP سه بخش از کتاب مقدس که در زیر آمده است را بخوانید. فکر می‌کنید عیسی چه باوری به کتاب مقدس دارد؟



«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحققشان بخشم. زیرا آمین، به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه یا همزه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد» (متی ۵:۱۷-۱۸).

«اگر آنان که کلام خدا به ایشان رسید، "خدایان" خوانده شده‌اند - و هیچ بخش از کتب مقدّس از اعتبار ساقط نمی‌شود - چگونه می‌توانید به کسی که پدر وقف کرده و به جهان فرستاده است، بگویید "کفر می‌گویی،" تنها از آن رو که گفتم پسر خدا هستم» (یوحنا ۱۰:۳۵-۳۶).

«آنگاه به ایشان گفت: "این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر دربارهٔ من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد." سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند. و به ایشان گفت: "نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوّم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همهٔ قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود"» (لوقا ۲۴:۴۴-۴۷).

این سه متن، پاسخ روشنی در مورد ایمان عیسی به کتاب مقدس می‌دهند. به باور او کتاب مقدس: **قابل اعتماد، قدرتمند و راستین** است.

او معتقد بود هر کلمه از آن اهمیت دارد. عیسی بر این باور بود که کتاب مقدس غیرقابل نقض است و هرگز نمی‌توان آن را کنار گذاشت و همهٔ آن دربارهٔ او است و راه نجات را اعلام می‌کند. عیسی از کتاب مقدس برای

تعلیم پیروانش و برملا ساختن دشمنانش استفاده می‌نمود. وقتی شیطان به او حمله کرد و او را به ارتکاب گناه وسوسه نمود، عیسی از کلام خدا به عنوان اسلحه استفاده کرد و به او پاسخ داد.

جان پایپر می‌نویسد:

«او (عیسی) یاد داد هر چیزی در آن (کتاب مقدس) باید محقق شود؛ اینکه نویسندگان مزامیر به واسطهٔ روح‌القدس سخن می‌گفتند؛ اینکه کلمات موسی در کتاب مقدس همان کلمات خدا بودند؛ اینکه هیچ بخشی از کتاب مقدس نمی‌تواند نقض شود و وفاداری به کتاب مقدس، ما را در برابر خطا مصون می‌دارد؛ اینکه می‌تواند قدرتمندترین دشمنان را شکست دهد؛ مانند آزمایش کاغذ تورنسل (تست محیط اسیدی و قلیایی) می‌تواند نشان دهد که آیا قلب‌های ما برای شناخت عیسی باز هستند یا خیر؛ اینکه یک نمایشنامهٔ واقعی است که در جهت پیروزی عیسی از طریق رنج‌های او، مرگ و رستاخیزش عمل می‌کند.»[۱]

به بیان واضح‌تر، عیسی یکی از طرفداران بزرگ کتاب مقدس بوده است.

الهام مطلق کلامی

حال بیایید به دو پرسش اول این فصل پاسخ دهیم. دقیقا منظور چیست وقتی می‌گوییم تمام کتاب مقدس الهام خداست؟ ما به هر آنچه معلمان کتاب مقدس، **الهام مطلق کلامی** می‌نامند، باور داریم. به این روش اعلام می‌کنیم تک‌تک کلمات کتاب مقدس از خدا می‌آیند. ما قبلا به این موضوع پی برده‌ایم که نویسندگان کتاب مقدس دقیقا بدون حتی یک اشتباه و بی‌کم‌وکاست هر آنچه را نوشتند که خدا می‌خواست و قصد داشت نوشته

۱. جان پایپر، یک جلال خاص (لندن: IVP، 2016)، ص ۱۱۳.

شود. این کار به قدرت و کار روح‌القدس انجام شد.

خداوند سخن گفت،

او نویسندگان را تحت نفوذ خود درآورد،

او کلامش را دمید.

اکنون باید بیندیشید؛ این عبارات «نفَس خدا، نفوذ روح‌القدس، بنابراین خداوند می‌گوید، کار الهام مطلق کلامی» چگونه جایی برای شخصیت و سبک نویسندگان کتاب مقدس باقی می‌گذارند؟ به ما گفته شده است کتاب مقدس توسط خدا و بشر نوشته شده است.

اگر خدا از نویسندگان انسانی به عنوان ماشین تحریر استفاده کرده است؛ پس واقعا یک کتاب بشری نیست؟

این یک اعتراض منصفانه و درست است؛ اگر چنین باشد، حق با شماست که کتاب مقدس واقعا یک کتاب انسانی نیست. خوشبختانه این‌طور نیست. تمام چهل نویسندهٔ کتاب مقدس به سبک خودشان نوشتند و خصلت‌ها و شخصیت خودشان را به نمایش گذاشتند.

برخی با دقت و خاص هستند،

برخی دیگر شاعرانه،

بعضی هنری و برخی هم ساده.

دستور زبان پولس رسول وقتی که هیجان‌زده می‌شود بسیار نابسامان و مغشوش است، اما لوقای طبیب اهل آتن، گرامر فوق‌العاده‌ای دارد. مهم‌تر از آن نویسندگان کتاب مقدس به عنوان شاهدین عینی، داستان‌های خود را به اشتراک گذاشتند یا داستان‌های شاهدین دیگری را ثبت کردند. اشعار و دعاهای آنها در مزامیر بازتاب تجربیات نویسندگان از خدا و کلام اوست. سلیمان پادشاه، حکمت بزرگی که خدا به او عطا نمود را در کتاب‌های امثال، جامعه و غزل غزل‌ها به اشتراک گذاشت. پولس نامه‌هایی به

کلیساهایی که خود تاسیس کرده و به شبان‌هایی که خود تعلیم داده بود، نوشت. دانیال و یوحنا رویاهای فوق‌العاده‌ای که خدا به آنها داده بود را به اشتراک گذاشتند. نویسندگان کتاب مقدس فقط کتاب‌ها را ننوشتند، بلکه آنها را زندگی کردند.

اِرمیای نبی توجه ما را به این پاسخ جلب می‌کند:

«هان، من یهوه خدای جمیع آدمیان هستم. آیا چیزی هست که برای من دشوار باشد؟» (اِرمیا ۳۲:۲۷).

برای خدا هیچ چیز دشوار *نیست*. او مجبور نیست با نویسندگان کتاب مقدس همچون بازیچه و دست‌نشانده رفتار کند تا کلامش را به نوشتار درآورد. حاکمیت او یعنی قادر است فرمان دهد و زندگی نویسندگان را طوری بسازد که آموزش، تجربه، سبک زندگی، خانواده، دوستان و فرهنگ آنها با الهام روح‌القدس ادغام شده و ایشان را به نوشتن دقیق کلام او، درست همان‌طور که می‌خواست نوشته شوند، هدایت کند.



«امور پیشین را از ایام کهن به یاد آورید؛ من خدا هستم و جز من کسی نیست؛ من خدا هستم و همانند من نیست. انتها را از ابتدا بیان می‌کنم و آنچه را که هنوز انجام نشده، از قدیم. می‌گویم: "تدبیر من برقرار خواهد ماند، و تمامی خشنودی خود را به جا خواهم آورد"» (اشعیا ۴۶:۹-۱۰).

STOP چرا این موضوع حائز اهمیت است که کتاب مقدس دقیقا کلام خداست؟

در فصل ششم انجیل یوحنا پس از تعالیم سخت و دشوار عیسی، بسیاری از مردم که از همان ابتدای خدمتِ علنی او از پیروانش بودند، عقب رفتند

و از او دور شدند. در مقابل، عیسی از دوازده رسول یا شاگرد خود پرسشی پرسید و پاسخ پطرس درست به قلب اهمیت موضوع آموزهٔ الهام نشانه می‌رود.



«پس عیسی به آن دوازده تن گفت: "آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟" شَمعون پطرس پاسخ داد: "سرور ما، نزد که برویم؟ سخنان حیات جاویدان نزد توست. و ما ایمان آورده و دانسته‌ایم که تویی آن قدّوسِ خدا"» (یوحنا ۶:۶۷-۶۹).

STOP صادقانه بگویید، چگونه به این پرسش عیسی پاسخ می‌دهید؟ آیا برای پیروی از عیسی آمادگی یافته‌اید، حتی وقتی کارها به سختی پیش می‌روند و او چیزهایی می‌گوید که پذیرش آنها برایمان دشوار است؟

زندگی مملو از پرسش‌های مهمی است که باید پاسخ داده شوند:

- از کجا می‌آیم؟
- چرا اینجا هستم؟
- چرا دنیا این‌گونه است؟
- چرا مردم رنج می‌کشند؟
- مرگ چیست؟
- آیا من خیر هستم یا شر؟

اگر تلفن‌های خودمان را خاموش کنیم و از این همه پراکندگی زندگی‌هایمان دور شویم، این پرسش‌ها درست مانند امواجی که به ساحل می‌خورند، با ما برخورد می‌کنند. آنها اجتناب‌ناپذیرند؛ حتی مهم‌تر از آن، خودمان نمی‌توانیم به آنها پاسخ دهیم. زمانی که آن جمعیت از عیسی دور شدند، پطرس و

شاگردان آنجا ماندند، زیرا به فیض خدا آمده بودند تا بفهمند فقط عیسی کلام زندگی جاودان را دارد. به همین دلیل پطرس می‌گوید: «سرور ما، نزد که برویم؟ سخنان حیات جاویدان نزد توست.»

در فصل اول، نگاهی به این موضوعات کردیم که کتاب مقدس چیست و از کجا می‌آید. ما گفتیم کتاب مقدس از تمایل سخاوتمندانهٔ خدا برای مکاشفهٔ خودش می‌آید تا گناهکارانِ نابودشده را نجات دهد. یعنی ما باید آن را جدی بگیریم و باید برادران و خواهرانی را دور خود جمع کنیم که این موضوع را جدی می‌گیرند. باید به مسیحیانی نزدیک شویم که در یادگیری و کاربرد کتاب مقدس در زندگی‌هایمان ما را یاری می‌کنند. باید اعضایی از کلیسا باشیم که:

کتاب مقدس را باور داریم؛
کتاب مقدس را دوست داریم؛
از کتاب مقدس اطاعت می‌کنیم؛
کتاب مقدس را با آواز و سرود می‌خوانیم؛
با کتاب مقدس دعا می‌کنیم؛
کتاب مقدس را موعظه می‌کنیم.

اگر این توصیف مشخصات کلیسایی شما نیست؛ پس آن را ترک کنید و کلیسایی پیدا کنید که چنین مشخصاتی دارد.



تک‌تک کلمات کتاب مقدس از خدا می‌آیند. نویسندگان کتاب مقدس دقیقاً آن چیزی را نوشتند که خدا می‌خواست و قصد داشت نوشته شوند. این کار توسط قدرت و کار روح‌القدس محقق گردید و کتاب مقدس جایی است که با عیسی روبه‌رو می‌شویم. در آنجا پاسخِ پرسش‌های مهم را می‌یابیم، زیرا توسط کسی نوشته می‌شود که همهٔ پاسخ‌ها

را دارد. کتاب مقدس قادر است برای نجات و دلیل اهمیت آن به ما حکمت ارزانی کند.

STOP این موضوع چگونه خواهد توانست نگرش ما نسبت به کتاب مقدس و روش مطالعهٔ آن را تغییر دهد؟



«اما عیسی در پاسخ گفت: "خوشا به حال آنان که کلام خدا را می‌شنوند و آن را به جای می‌آورند"» (لوقا ۱۱:۲۸).





نکته چیست؟

کتاب مقدس، کاملا

قابل اعتماد و موثق است.



۴

چگونه بدانیم که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم؟

بخش دوم (مصونیت از خطا)

STOP اگر بپرسیم آیا می‌توانید صد در صد به کتاب مقدس اعتماد کنید، چه می‌گویید و چرا؟

در این فصل قصد داریم به این پرسش مهم پاسخ دهیم: «آیا واقعا می‌توانم به کتاب مقدس اعتماد کنم؟» در فصل پیشین منظور از اینکه کتاب مقدس الهام خداست را بررسی کردیم. در این فصل قصد داریم بفهمیم تالیف کتاب مقدس چقدر حقیقت مطلق است و آیا کاملا قابل اعتماد است یا نه. ما این را «مصونیت از خطا» می‌نامیم. **یعنی کلام خدا مصون از خطاست.**

رِینه فریاد زد: «پیت! این مطلب را در فیس‌بوک خواندی که یک نفر در یک ون سفید رنگ می‌خواست بچه‌ها را بدزدد؟ ظاهرا مرد درشت‌اندام و ژولیده‌ای بوده. شاید بچه‌باز بوده. می‌گویند ون سفید انتهای

خیابـان ماسـت. برویم ببینیم؟» پیت سـرش را بلند کرد و گفـت: «واقعا که تو خیلی ساده و زودباوری! چرا هر چیزی را می‌خوانی باور می‌کنی؟ احتمالا آن ون سـفید، تصادفـی پارک کرده تا بـه خرید برود. این می‌تواند مشـخصات هر کسـی باشـد.» رِینـه بـه گوشـی خـودش اشـاره می‌کنـد و می‌گویـد: «نـه پیت، درسـت است. اینجا این‌طور می‌گوید. افراد زیادی لایک کردند و نظر دادند.» پیت چشـمانش را می‌چرخاند و پاسـخ می‌دهد: «دقیقا چون روی فیس‌بوک پسـت شـده، نمی‌تواند درسـت باشـد. اگر در اخبار ساعت شـش دیدیم، آن وقت نگران باش. حداقل می‌شود گفت خبر درست است.»

دست‌نوشته‌های اصلی

وقتـی می‌گوییـم کتـاب مقـدس مصـون از خطـا اسـت، بایـد بدانیـم در مورد نسـخه‌های خطـی اصلـی یا دسـت‌نویس‌های اصلـی صحبـت می‌کنیم، که توسط خود انبیا یا رسولان نوشته شده‌اند. این اسناد روی کاغذهای پاپیروس نوشـته می‌شـدند که بسیار ظریف بودند و به همین دلیل بارها و بارها در طی قرون مختلف بازنویسی شده‌اند.

STOP چطـور می‌تـوان مطمئـن شـد رونوشـت‌های این نسـخه‌های خطی اصلی درست هستند؟

بیایید به این فکر کنیم که چطور می‌توان مطمئن شد رونوشت‌های درستی از آنها برداشـته شـده‌اند. کاتبین و راهبانی که این کار را انجام می‌دادند، بسـیار دقیق و موشـکاف بودند و از ناظرین زیادی اسـتفاده می‌کردند تا بارها و بارها بررسی کنند و مطمئن شوند رونوشت‌هایی که برمی‌دارند صد در صد درست باشـند. ما حدود ۵۸۰۰ دست‌نوشـتهٔ یونانی برای مطالعه و مقایسـه در دست

داریم. شاید خیلی قابل توجه نباشند، اما در مقایسه با دیگر کتاب‌های باستانی کاملا قابل توجه هستند.

برای مثال، ما حدود ده نسخهٔ خطی از «جنگ‌های گالیک» ژولیوس سزار داریم که بین سال های ۵۰ و ۶۰ قبل از میلاد نوشته شده‌اند. قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی مربوط به ۹۰۰ سال پس از این واقعه است. اما با وجود این شکاف زمانی، هیچ مورخی به ژولیوس سزار شک نمی‌کند.

جان پایپر می‌نویسد:

> «هیچ کتاب قدیمی دیگری به گنجینهٔ متنوعی که برای عهد جدید داریم، نزدیک نیست. نه تنها نسخهٔ خطی آن، بلکه قدمت آن بسیار قابل توجه است. برای مثال قدیمی‌ترین قطعهٔ موجود، یک پاپیروس است که از حدود سال ۱۳۰ پس از میلاد به دست آمده است... یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی کل عهد جدید متعلق به سال ۳۵۰ پس از میلاد است.»[۱]

بین سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۵۶ طومارهایی از دریای مرده در «غارهای قمران» اسرائیل پیدا شدند. آنها در ظروف سفالی نگهداری می‌شدند و این نسخه‌های خطی از عهد عتیق تاکنون قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی موجود هستند و باورنکردنی است که در مقایسه با نسخه‌های خطی جدیدتر، هیچ *اختلافی بین آنها یافت نشده است*.

STOP فقط چند لحظه به آن فکر کنید قدیمی‌ترین نسخه‌های یافت‌شده، هیچ تفاوت قابل توجهی با نسخه‌های امروزی کتاب مقدس نداشتند. این مفاهیم در مورد صحت و درستی کتاب مقدس چه چیزی را می‌گویند؟

---

۱. جان پایپر، یک جلال خاص (لندن: IVP، 2016)، ص ۸۲

کار موشکافانه و دقیق این راهبان و کاتبان در کل قرون، یعنی اینکه ما می‌توانیم کاملا از صحت کتاب مقدس خودمان مطمئن باشیم. هر آنچه در کتاب مقدس داریم، ترجمهٔ درستی از همان کلام خداست که توسط حاکمیت برتر خود، در سراسر قرون تاریخ حفظ و نگهداری شده است.



چه کابوس بدی است امروز. همه چیز بد پیش می‌رود. آن روز صبح وقتی رِینه بیدار شد، آبگرمکن کار نمی‌کرد و او نتوانست دوش بگیرد. در راه بازگشت از خرید، کیسهٔ سبد خرید پاره شد و تخم مرغ‌ها شکستند. در بانک بسیار معطل شد و نتوانست به موقع به مدرسهٔ نوه‌هایش برسد. درست وقتی فکر می‌کرد از آن بدتر نمی‌تواند باشد، اتوبوس را از دست داد و مجبور شد بیست دقیقه تا اتوبوس بعدی صبر کند. وقتی برای ملاقات دوستش به بیمارستان می‌رفت خیلی خسته بود. دوستش نگاهی به او انداخت و گفت: «رِینه چقدر از دیدنت خوشحالم، اما نیازی نبود بیایی. باران می‌آید. کاملا خیس شدی.» رِینه لبخندی به او زد و گفت: «عزیزم، گفتم که امروز به ملاقاتت می‌آیم، تو می‌دانی من همیشه سر قولم هستم.»

کتاب مقدس به ما می‌گوید خدا همیشه به وعدهٔ خود عمل می‌کند؛ پس مطمئن هستیم ترجمه‌های کتاب مقدس از روی نسخه‌های دست‌نویس اصلی کاملا درست هستند. اکنون بیایید به مسئلهٔ قابل اعتماد بودن آن بپردازیم.

STOP چه نظری دربارهٔ اعتماد دارید؟ افرادی را در زندگی‌تان در نظر بگیرید که بیش از همه به آنها اعتماد دارید. چه چیزی در آنها سبب این اعتماد شده است؟

احتمالا این افراد باثبات، صریح، صادق و قابل اعتماد هستند. وقتی رِینه به فرد قابل اعتمادی در زندگی‌اش فکر می‌کند، پدرش را به یاد می‌آورد. اگر او می‌گوید کاری را انجام می‌دهد، حتما انجام می‌دهد؛ اگر می‌گوید مثلا در فلان مکان خواهد بود، حتما آنجا حضور خواهد داشت؛ اگر به کمک نیاز داشته باشد، می‌تواند روی پدرش حساب کند.

قابلیت اعتماد به حرف کسی، نمایانگر شخصیت آن فرد است. رِینه به حرف پدرش اعتماد دارد، چون او بارها و بارها در زندگی رِینه آن را به اثبات رسانده است.

STOP بهتر است بپرسیم مردم در مورد شخصیت شما چه نظری دارند؟ آیا شما به قولتان عمل می‌کنید؟

«خدا انسان نیست که دروغ گوید، و نه بنی‌آدم که از تصمیم خود منصرف شود. آیا او سخنی گفته که بدان عمل نکرده باشد؟ یا کلامی به زبان آورده که به انجام نرسانده باشد؟» (اعداد ۱۹:۲۳).

کتاب مقدس، به عنوان کلام خدا، نمایانگر شخصیت خداست. *خدا صادق، وفادار، عادل، قابل اعتماد، دانای مطلق و قادر مطلق است.* به همین دلیل **می‌توانیم به هر کلمه از کتاب مقدس اعتماد کنیم.** این آیه از کتاب اعداد، کلام و شخصیت خدا را به هم پیوند می‌زند. این آیه تضاد کامل میان انسان و خدا را نشان می‌دهد تا به نقطه‌ای می‌رسیم که خدا صد در صد قابل اعتماد است.

STOP تصور کنید قرار است فردا صبح ساعت ۱۰ به ایستگاه قطار بروید تا

یکی از دوستانتان را بیاورید. آیا کاملا مطمئن هستید سر وقت به آنجا می‌رسید؟

پاسخ، منفی است. شاید قول داده باشیم و صد در صد قصد داریم به آنجا برویم، اما ممکن است در ترافیک گیر کنیم یا لاستیک ماشین پنچر شود. شاید هم موقع بیرون آمدن از خانه زمین بخوریم و پایمان بشکند. فهرستی طولانی از اتفاقات وجود دارند که مانع رسیدن به موقع ما به ایستگاه قطار می‌شوند. خیلی از اتفاقات خارج از کنترل ما هستند و مانع وفای به عهد ما می‌شوند. اما اینها هرگز برای خدا اتفاق نمی‌افتند.

خدا بشر نیست،
خدا شبیه ما نیست،
خدا همیشه صادق است،
خدا هرگز خسته نمی‌شود،
و هرگز چیزی مانع خدا نمی‌شود.

«تا به واسطهٔ دو امر تغییرناپذیر، که ممکن نیست خدا دربارهٔ آنها دروغ بگوید، ما از دلگرمی بسیار برخوردار شویم، ما که گریخته‌ایم تا امیدی را که پیش روی ما قرار داده شده است، به چنگ گیریم. این امید، به منزلهٔ لنگری محکم و ایمن برای جان ماست، امیدی که به محرابِ درون حجاب راه می‌یابد» (عبرانیان ۶:۱۸-۱۹).

وقتی نویسندهٔ عبرانیان می‌خواهد خیال خوانندگانش را آسوده کند که نجات آنها حتمی، مطمئن و ایمن است، به آنها یادآوری می‌کند خداوند سوگند خورده و وعده‌ای تغییرناپذیر داده است. **غیرممکن است خدا دروغ**

بگوید. سلیمان نیز در کتاب امثال دقیقا همین را می‌گوید:



«هر سخن خدا پیراسته است؛ او کسانی را که به وی پناه می‌برند، سپر است» (امثال ۵: ۳۰).

این آیه صداقت و وفاداری خدا را به اطمینان از نجات پیوند می‌زند. او توضیح می‌دهد وفاداری تغییرناپذیر خداست که او را سپر و پناهگاه قومش می‌سازد. تصور کنید در حال فرار از توفان سهمگینی هستیم، باد زوزه‌کشان و به‌شدت می‌وزد؛ که دو ساختمان می‌بینید. یکی از شاخ‌وبرگ و دیگری از بتون ساخته شده است. در کدام یک از آنها پناه می‌گیرید؟ پناهگاه باید مکانی باثبات، ایمن و محکم باشد. اگر سست، بی‌ثبات یا ناامن باشد؛ نمی‌توانید برای حفظ خودتان به آن اعتماد کنید.

دوباره به این بخش مهم از کتاب مقدس برگردیم.



«اگر آنان که کلام خدا به ایشان رسید، "خدایان" خوانده شده‌اند ـ و هیچ بخش از کتب مقدّس از اعتبار ساقط نمی‌شود ـ چگونه می‌توانید به کسی که پدر وقف کرده و به جهان فرستاده است، بگویید "کفر می‌گویی،" تنها از آن رو که گفتم پسر خدا هستم؟» (یوحنا ۱۰:۳۵-۳۶).

عیسی در مواجهه با مخالفین بی‌ایمانی که می‌خواستند به ادعای او مبنی بر «پسر خدا بودن» بتازند، یادآوری نمود که نمی‌توان کتاب مقدس را نقض کرد. از آنجایی که خدا خداست، کلامش جاری می‌شود. کلامش کاملا قابل اعتماد و موثق است، زیرا همواره حقیقت را بیان می‌کند. می‌توان به وعده‌های او اعتماد کرد، زیرا خدا خسته یا متوقف نمی‌شود و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع او شود.

کتاب مقدس بدون خطاست، زیرا خدا خطاناپذیر است. کوین دی‌یانگ ساده‌ترین استدلال را برای خطاناپذیری کتاب مقدس بیان می‌کند:

«کتاب مقدس از ارادهٔ بشر نمی‌آید، بلکه از خداست و اگر کلام خداست؛ پس حقیقت خواهد بود و هیچ خطا و کاستی نمی‌تواند در آن باشد.»[۱]



«آنان را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است» (یوحنا ۱۷:۱۷).

عیسی پیش از آنکه بر روی صلیب برود، برای قومش دعا می‌کند. از پدرش می‌خواهد قومش را با حقیقت تقدیس کند (مقدس گرداند). قبل از آنکه توضیح دهد این کار چگونه به واسطهٔ کلام حقیقت محقق خواهد شد، عیسی به ما تعلیم می‌دهد که حقیقت و راستین بودن کلام، چیزی است که به تقدیس قوم خدا کمک می‌کند. **کتاب مقدس** می‌تواند *افکار ما را شکل دهد، ذهن‌های ما را تازه کند تا ما اصلاح شویم، شکل بگیریم، با همه چیز روبه‌رو شویم، سازگار شویم، آرامش یابیم، قدرت پیدا کنیم*، **زیرا حقیقت خطاناپذیر است**. در رومیان فصل دوازده، پولس، کلیسا را به چالش می‌کشد.



«و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص ارادهٔ خدا خواهید بود؛ ارادهٔ نیکو، پسندیده و کامل او» (رومیان ۱۲:۲).

هر مسیحی به حقیقت کلام خدا نیاز دارد تا ما را در مسیر مستقیم و درست

۱. کوین دی‌یانگ، خدا را در کلامش قبول کنید (ویتون، آی. ال: کراس‌وِی، ۲۰۱۶)، ص ۳۹.

قرار دهد و زمانی که گناه می‌کنیم و چیزهای اشتباهی را دربارهٔ خدا باور می‌کنیم، ما را از نو بسازد.

اقتدار

کلام خدا فقط نمایانگر شخصیت خدا نیست، بلکه حاکمیت مطلق، قدرت و اقتدار او را اعلام می‌کند.

«آیا ندانسته و نشنیده‌اید؟ آیا از ابتدا به شما خبر داده نشده است؟ و از زمانی که زمین بنیان نهاده شد، درک نکرده‌اید؟ اوست که بر بالای دایرهٔ زمین نشسته است، و ساکنان آن به ملخ می‌مانند. اوست که آسمانها را چون پرده می‌گسترانَد، و همچون خیمه‌ای به جهت سکونت پهن می‌کند. اوست که امیران را هیچ می‌گرداند، و داوران جهان را چون بطالت می‌سازد. هنوز کاشته نشده و غرس نگردیده‌اند، و هنوز در زمین ریشه ندوانیده‌اند که او بر آنها می‌دمد و خشک می‌شوند و گردباد ایشان را چون کاه می‌روبد. آن قدوس می‌گوید: مرا با که قیاس می‌کنید، تا با او برابر باشم؟ چشمان خود را به اعلی برافرازید و ببینید: کیست که اینها را آفرید؟ کیست که لشکر اینها را به شماره بیرون می‌آورد، و آنها را جملگی به نام می‌خوانَد؟ به سبب کثرت قوّت و عظمت قدرتش هیچ‌یک از آنها گم نخواهد شد» (اشعیا ۴۰:۲۱-۲۶).

کتاب مقدس فقط کتاب نکات و پیشنهادات نیست که هر کدام را خواستیم انتخاب کنیم و هر کدام را نخواستیم کنار بگذاریم. این کتاب «خودآشکارسازی» خالق، حافظ، منجی، داور و پادشاه جهان است. کتاب مقدس اراده و فرامین پادشاه را آشکار می‌سازد. پرسش سوم در کتاب پرسش

و پاسخ وست‌مینستر می‌پرسد:

پرسش: کتاب مقدس اساسا چه چیزی را تعلیم می‌دهد؟

پاسخ: کتاب مقدس اساسا تعلیم می‌دهد که انسان چه چیزهایی را دربارهٔ خدا باور کند و خدا چه وظایفی را به انسان محول کرده است.

کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد چه چیزی را دربارهٔ خدا باور کنیم و خدا در مقابل، ما را ملزم به انجام چه چیزهایی کرده است. **این اولین و آخرین و تنها اقتدار برای ایمانداران و کلیساست.** هر آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد حقیقت است و معیارهایی که تعیین می‌کند، شریعت مقدس است. *کتاب مقدس شامل اقتدار کامل و نهایی برای کلیسا در مورد تمام موضوعات اعتقادی و عملی است.*

STOP پرسش مهم واقعا این نیست که آیا می‌توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم یا نه، بلکه آن است که آیا از آن اطاعت خواهیم کرد؟

کتاب مقدس، کاملا قابل اعتماد و مصون از خطاست. این اقتدار مطلق، نقض‌ناپذیر و نهایی است. کتاب مقدس کلام خداست که به ما داده شده است تا هر چیزی که برای شناخت خدا و نجات از گناهان از طریق ایمان به عیسای مسیح نیاز داریم برای ما آشکار شود. آیا در مقابل آن فروتن هستیم و آماده‌ایم از خدا تعلیم بگیریم؛ یا مغرورانه خودمان را برتر می‌دانیم و آموزه‌ها، فرامین و هشدارها را نادیده می‌گیریم؟

«و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص ارادهٔ خدا خواهید بود؛ ارادهٔ نیکو، پسندیده و کامل او» (رومیان ۱۲:۲).



نکته چیست؟

عهد عتیق به ما می‌گوید یک
منجی خواهد آمد.



۵

چگونه کتاب مقدس را بخوانیم؟

بخش اول (عهد عتیق)

تا اینجا یاد گرفتیم کتاب مقدس چیست، چرا نوشته شد، چگونه نوشته شد، چگونه کنار هم گردآوری شد و حقیقی بودن مطلق، قابل اعتماد بودن و اقتدار آن به چه معناست. اما چگونه باید آن را بخوانیم؟

STOP آیا کتاب مقدس را باید شبیه دیگر کتاب‌ها بخوانیم؟ فکر می‌کنید چطور باید کتاب مقدس را بخوانیم؟

کتاب مقدس اغلب از زبان عجیب و غریبی استفاده می‌کند (البته به گوش ما عجیب و غریب است)، و در مورد همه چیز طوری صحبت می‌کند که در وهلهٔ اول برای ما عجیب به نظر می‌رسد. بار دیگر، ما در مورد این مبحث دو رویکرد داریم. ابتدا در این فصل قصد داریم نگاهی به عهد عتیق بیندازیم. پس شروع کنیم:

در آغاز...

سه فصل اول کتاب مقدس صحنه‌هایی از کل داستان کتاب مقدس را به نمایش می‌گذارند.

فصل اول پیدایش، تصویری بزرگ و نمایی کلی از آفرینش برای ما ترسیم می‌کند. ما درمی‌یابیم که **خدا** همه چیز *را به واسطهٔ کلام خویش طی شش روز* **خلق می‌کند** و هرچه *می‌آفریند، بسیار نیکو است*. نقطهٔ اوج خلقت در روز ششم می‌باشد؛ وقتی خدا بشر، مرد و زن را به صورت خویش آفرید.

سپس به اولین والدین ما حاکمیت و اقتدار بر خلقت را می‌بخشد و وظیفهٔ تولید مثل انسان‌های بیشتر و مناسب کردن زمین برای زندگی را به عهدهٔ آنها می‌گذارد.

پیدایش فصل دوم، نمای بسته‌ای از خلقت آدم و حوا به ما می‌دهد و بر آن تمرکز می‌کند. ما همچنین متوجه می‌شویم خداوند خانه‌ای کامل برای آنها؛ یعنی «باغ عدن» را فراهم می‌سازد. همچنین **دربارهٔ قانونی برای تداوم زندگی و برکت، و پیامدهای نافرمانی از قانون** نیز مطالبی می‌خوانیم.



«و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: "تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به‌یقین خواهی مرد"» (پیدایش ۲:۱۶-۱۷).

فصل دوم پیدایش، با ازدواج آدم و حوا پایان می‌یابد و می‌بینیم که نقشهٔ خدا برای روابط جنسی محقق می‌شود: **یک مرد، یک زن**، *متعهد به تک‌همسری برای تمام عمر، برای پیوندی که* **خدا طراحی کرده** و **دستور داده است.**

آخرین آیهٔ فصل همچون یک سریال هیجان‌انگیز است:



«آدم و زنش هر دو عریان بودند و شرم نداشتند» (پیدایش ۲:۲۵).

فصل سوم پیدایش، جایی است که همه چیز بد پیش می‌رود. ادامهٔ کتاب مقدس به این موضوع می‌پردازد که خدا می‌کوشد تمام آسیب‌های حوادث فاجعه‌باری که در این فصل رخ می‌دهند را سامان داده و درست کند.

در پیدایش فصل سه، با *مار* آشنا می‌شویم؛ این موجود حیله‌گر ما را متعجب می‌کند، زیرا در *این دنیای بسیار خوب خدا، مخلوقی وجود دارد که در حال شورش بر ضد خدا می‌باشد*. تنها هدف او وسوسه و تحریک دیگران است تا در این شورش به او ملحق شوند. جزئیات کارهای این مار در کل کتاب مقدس گفته شده است و ما آن را به نام‌های مختلفی می‌شناسیم: **شیطان**، **ابلیس**، **اژدها**.

ما می‌خوانیم که مار، آدم و حوا را وسوسه می‌کند که از میوهٔ درخت *شناخت نیک و بد* بخورند. بسیار غم‌انگیز است که به رغم آنکه خدا با مهربانی خویش به آنها حیات، یک خانهٔ کامل، همنشینی کامل و رابطهٔ کامل با خودش را می‌دهد؛ والدین اولیهٔ ما، دروغ‌های شیطان را باور می‌کنند؛ از میوه درخت می‌خورند و از خدا نافرمانی می‌کنند. بلافاصله فاجعه به بار می‌آید.

گناه و **مرگ** *وارد دنیا می‌شوند* و آدم و حوا در وضعیت تباهی قرار می‌گیرند. ناگهان زوجی که قبلا از هیچ چیز شرم و خجالت نداشتند؛ از خدا پنهان می‌شوند، می‌ترسند، شرمنده می‌شوند و محکوم می‌گردند.

STOP چرا فکر می‌کنید آدم و حوا ناگهان از خدا ترسیدند؟

ما می‌خوانیم که خدا در باغ عدن به نزد آنها می‌آید و ایشان را صدا می‌زند. در همین نقطه با یک موضوع مهم کتاب مقدس آشنا می‌شویم:

خدا نه تنها خالق، نگهدارنده و پادشاه قانونگذار است، بلکه او همچنین قاضی مقدس و عادل تمام آنچه آفریده است، می‌باشد.

خدا فورا مار را به نابودی محکوم می‌کند. پر کردن زمین و مناسب ساختن آن برای زندگی بسیار دشوار و دردآور می‌شود و اینک جایی که مرگ معنوی رخ داده است، مرگ جسمی هم در پی دارد.



«با عرق جبین نان خواهی خورد، تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چراکه تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت» (پیدایش ۳:۱۹).

در نهایت، آدم و حوا از باغ عدن بیرون رانده می‌شوند. آنها از جایگاه و حضور خدا اخراج می‌شوند و یک کروبی (فرشتهٔ ترسناکی که معنای نام او فرشتهٔ آتشین است) با شمشیری آتشین، مسیر آنها به طرف درخت حیات را می‌بندد. پس هر آنچه در پایان پیدایش فصل سه می‌بینیم، قدوسیت خداست که مانع دسترسی انسان گناهکار به حیات و ورود او به حضور خدا می‌گردد.

تمام بشریت، مشکلات مهم مشترکی دارند؛ این مشکلات را تا انتهای سه فصل اول پیدایش می‌بینیم. ما شاهد حکومت و سلطهٔ گناه، مرگ و واقعیت اجتناب‌ناپذیر تقدس و داوری هستیم. هرچه داستان جلو می‌رود و آشکار می‌شود، می‌بینیم که این مضامین و مشکلات، شدت بیشتری پیدا می‌کنند. ناتوانی و تنها بودن ما بارها و بارها نشان داده می‌شود.

با این وجود در میان داوری مقدس خدا، نور امیدی دیده می‌شود.



«پس یهوه خدا به مار گفت: "چون چنین کردی، از همهٔ چارپایان و همهٔ وحوش صحرا ملعونتری! بر شکمت خواهی خزید و همهٔ روزهای

زندگی‌ات خاک خواهی خورد. میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنهٔ وی را خواهی زد"» (پیدایش ۳:۱۴-۱۵).

وقتی خداوند وعدهٔ نابودی مار را می‌دهد، امید پیدا می‌شود. خدا وعده می‌دهد که یکی از نسل زن خواهد مرد تا مار را نابود سازد. *«او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنهٔ وی را خواهی زد.»*

STOP فکر می‌کنید این نسل زن، چه کسی خواهد بود؟

معلمان کتاب مقدس اذعان می‌دارند که آنچه خداوند در اینجا می‌گوید، «اولین خبر خوش» است.

STOP فکر می‌کنید چرا خبر خوبی است؟

در اینجا در *میان سقوط و واقعیت زشت گناه و داوری*، **وعدهٔ انجیل** می‌آید که *روزی پسر زنی خواهد مرد تا شریر و کارهایش را نابود سازد*. او لعنت گناه و مرگ ما را به دوش خواهد کشید تا ما بتوانیم از مرگ رها شویم.

فصل سوم، موضوع مهم‌تری را نیز تعلیم می‌دهد. آخر آیهٔ هیجان‌انگیز پیدایش ۲:۲۵ را به یاد می‌آورید؟ آدم و همسرش هر دو عریان بودند و شرم نداشتند. گناه بشر، وضعیت گناه و شرم را به وجود آورد. به محض آنکه به عریان بودن خود پی بردند، سعی کردند از چشم خدا پنهان شوند.



«یهوه خدا پیراهنهایی از پوست برای آدم و زنش ساخت و ایشان را پوشانید» (پیدایش ۳:۲۱).

خدا یک نشـانه می‌دهد، **مرگ برای پوشـاندن شـرم انسـان ضروری است**. ایدهٔ مرگ در ازای گناه، مضمون مهم کتاب مقدس است.

مطالعه بر اساس موضوع

هدف از شرح دقیق وقایع پیدایش فصول ۱-۳ چیست؟ مضامین و موضوعات در این بخش‌های اساسی کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهند که چگونه عهد عتیق را بخوانیم.

مشکل بزرگ **گناه**، **مرگ** و **داوری** در سراسر کتاب مقدس، نشان از واقعیت اجتناب‌ناپذیر حیات انسان دارد. برای هر پیشرفت فناوری و فرهنگی بشر، ما شاهد *رشد گناه و بدبختی* نیز هستیم، که واقعیت مرگ و داوری نیز در کنار آن است. وقتی عهد عتیق را می‌خوانیم، متوجه مضامین دیگری نیز می‌شویم؛ از جمله *نبوت مسیحایی*، *پادشاهی*، *عهد*، *و جایگزینی قربانی*.

در ادامهٔ این فصل نگاهی خلاصه‌وار به هر یک از این مضامین می‌اندازیم. درک تک‌تک آنها یکی از کلیدهای درک واقعی عهد عتیق است.

نبوت مسیحایی

کلمهٔ «مسیح» یعنی «مسح‌شده یا برگزیده» و به منجی/ نجات‌دهندهٔ موعود اشاره دارد.

همان‌طور که داستان کتاب مقدس در طول زمان پیش می‌رود، پیشبینی‌هایی دربارهٔ آمدن یک منجی را می‌بینیم. درک نبوت‌های مسیحایی امکان تشخیص و شناسایی مسیح را هنگام روبه‌رو شدن با او به ما می‌دهد.

ما قبلا اولین پیشبینی‌ها را ذکر کردیم. **وعدهٔ سرکوب مار در پیدایش ۱۵:۳** که می‌فرماید: «میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می‌گذارم؛ او

سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنهٔ وی را خواهی زد.»

این آیه در میانهٔ یک فاجعهٔ بزرگ به ما امید می‌دهد، خدا وعده می‌دهد پسر زن خواهد مُرد تا شیطان و کارهایش را نابود سازد.

STOP فکر می‌کنید نابودکنندهٔ مار چه کسی خواهد بود؟

ما در پیدایش فصل چهار، هابیل و قائن را ملاقات می‌کنیم و فکر می‌کنیم آیا یکی از آنها نابودگر مار است؟ متاسفانه پاسخ، منفی است. هابیل در نهایت می‌میرد و قائن تبدیل به قاتل می‌شود.

سپس در فصل‌های شش تا نه کتاب پیدایش، نوح را ملاقات می‌کنیم و با تعجب فکر می‌کنیم آیا او می‌توانست نابودگر مار باشد. در ابتدا خوب به نظر می‌رسد، او از طوفان نجات پیدا می‌کند، اما متاسفانه داستان او نیز با بدن عریان و شرمندگی در باغ به پایان می‌رسد. پس قطعا او هم نابودگر مار نیست.

در پیدایش فصل دوازده، شخص بسیار مهمی را در تاریخ کتاب مقدس می‌بینیم، مردی به نام ابراهیم. او پدر ایمان و پدر قوم اسرائیل است. وعدهٔ خدا برای آمدن منجی در تمام پیدایش دیده می‌شود، وقتی خداوند وعده می‌دهد تمام اقوام روی زمین از طریق ابراهیم برکت خواهند یافت؛ پس با خود می‌اندیشیم شاید او نابودگر موعود است. با این وجود باز هم ناامید می‌شویم، چون می‌فهمیم ابراهیم هم پر از نقص و کاستی است. او اغلب از جان خود می‌ترسید، حتی همسرش را خواهر خود معرفی کرد تا جان خودش را نجات دهد. ابراهیم در ایمان سرآمد بود، اما نقص‌ها و کاستی‌هایی نیز داشت؛ او مسیح موعود نبود.

از خروج تا تثنیه دربارهٔ نجات قوم اسرائیل از بردگی در مصر می‌خوانیم

(نسل ابراهیم). می‌خوانیم که شریعت به آنها داده شد و به سرزمین موعود عزیمت کردند. تمام اینها تحت رهبری موسی انجام شد. آیا او نابودگر مار است؟ خیر، در حقیقت مدت کوتاهی پیش از مرگش و در تثنیه ۱۵:۱۸-۱۹ در مورد وعدهٔ خدا برای نجات قومش صحبت می‌کند:

«یهوه خدایتان، از میان شما، پیامبری همانند من، از برادرانتان، برای شما بر خواهد انگیخت؛ به اوست که باید گوش فرا دهید، چنانکه در حوریب، در روز گردهم‌آیی از یهوه خدای خود درخواست کرده، گفتید: "صدای یهوه خدای خود را دیگر نشنویم و این آتش عظیم را نبینیم، مبادا بمیریم." پس خداوند به من گفت: "آنچه می‌گویند نیکوست. نبی‌ای برای ایشان از میان برادرانشان همچون تو بر خواهم انگیخت و کلام خود را در دهان وی خواهم نهاد، تا هرآنچه به او فرمان می‌دهم به ایشان بازگوید. هر که سخنان مرا که او به نام من خواهد گفت نشنود، من خود از او بازخواست خواهم کرد."»

ما متوجه می‌شویم سال‌ها بعد منجی خواهد آمد. *او از نسل داوود است. او تحت عنوان پسر خدا شناخته می‌شود. او از باکره در بیت‌لحم زاده می‌شود. او ناصری خوانده می‌شود. او بیماران را شفا خواهد داد، نابینایان را بینا خواهد کرد. ناشنوایان را شنوا خواهد کرد. او نبی خواهد بود. او کاهن خواهد بود. او پادشاه خواهد بود. او بدون دلیل مورد بیزاری قرار خواهد گرفت. دوستش به او خیانت خواهد کرد. او در کنار مجرمین کشته خواهد شد. او قربانی جایگزین خواهد شد. او دفن خواهد شد، قیام خواهد کرد، به آسمان خواهد رفت، عهدی جدید بنا خواهد گذاشت. حکومت خواهد کرد و سلطنت ابدی برقرار خواهد نمود.*

با مطالعهٔ عهد عتیق متوجه می‌شویم این وعده‌ها بر یکدیگر بنا می‌شوند و بار انتظار فزاینده‌ای را ایجاد می‌کنند.

پادشاهی

موضوع پادشاهی خدا در باغ عدن آغاز می‌شود. در اینجا ما شکل و ساختار پادشاهی بناشده را می‌بینیم که شامل این موارد است:

قوم خدا در آدم و حوا،
جایگاه خدا در عدن،
زندگی تحت فرمان خدا.

این موضوع درست مانند نبوت مسیحایی، در سراسر کتاب مقدس از دعوت ابراهیم تا وعدهٔ تشکیل یک ملت بزرگ، و وعدهٔ سرزمین کنعان دیده می‌شود.



«از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد و تو را برکت خواهم داد؛ نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود» (پیدایش ۱۲:۲).

پنج کتاب اول کتاب مقدس، تولد قوم اسرائیل را به تصویر می‌کشند. در مورد نجات آنها از بردگی در مصر و عزیمتشان به سرزمین موعود می‌خوانیم. دربارهٔ حضور خدا در میان قوم خود، ابتدا در خیمه (چادری قابل حمل که در آن خدا پذیرفت با قوم خود که به سوی سرزمین موعود می‌رفتند، ملاقات کند)، و سپس در معبد اورشلیم، می‌خوانیم. در ادامه با یوشع ملاقات می‌کنیم. او محکم و استوار، الگوی پادشاهی قوم خدا را در جایگاهی تحت قانون خدا بنا می‌نهد. اما متوجه می‌شویم او نیز نابودگر مار نیست.

سپس در اول و دوم سموئیل با داوود پادشاه آشنا می‌شویم که تبدیل به

پادشاه خدا می‌گردد. آیا او می‌تواند نابودگر مار باشد؟ متاسفانه خیر. ما فقط مرد دیگری را ملاقات می‌کنیم که کاستی و نقص دارد، زنان را دنبال می‌کند و برای هموار کردن راه خود، می‌کُشد و گناهش را پنهان می‌کند. اما به ما گفته شده است مسیح موعود که مار را نابود می‌کند، از تبار داوود پادشاه است.



«چنانکه از آن هنگام که داوران بر قوم خود اسرائیل برگماشتم. و تو را از همهٔ دشمنانت آسودگی خواهم بخشید. افزون بر این، خداوند به تو اعلام می‌کند که او برایت خانه‌ای خواهد ساخت. آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنت باشد پس از تو برخواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت» (دوم سموئیل ۷:۱۱-۱۳).

پس از آنکه دوران سلطنت داوود به پایان رسید، طولی نکشید که پادشاهی دچار فروپاشی شد. سپس پسرش سلیمان در حالی به تخت نشست که مردم از خداوند نافرمانی می‌کردند. کتاب‌های اول و دوم پادشاهان و اول و دوم تواریخ همراه با نوشته‌های انبیا به شرح تجزیه و از هم پاشیدن پادشاهی او می‌پردازند. آنها نحوهٔ داوری خدا بر قومش را شرح می‌دهند که چگونه از حضور او و از سرزمین کنعان دور شده و به تبعید فرستاده می‌شوند.

بالاخره قوم اسرائیل به سرزمین موعود بازگشتند. کتاب‌های عزرا، نِحِمیا، یوئیل، حَجّی، عوبدیا و ملاکی این موضوع را بیان کرده‌اند. در این کتاب‌ها می‌بینیم دیوارهای اورشلیم بازسازی شده و معبد از نو ساخته می‌شود. با این وجود ،به رغم بازگشت به آن سرزمین، هیچ پادشاهی وجود ندارد و بنابراین عهد عتیق با مردمانی گله‌مند، که مشتاق بودند پادشاه داشته

باشند و شکوه و افتخار پادشاهی دوباره به آنها بازگردد، پایان می‌یابد.

عهد

STOP «عهد» کلمه‌ای عجیب است. فکر می‌کنید چه معنایی دارد؟

عهدها، پیمان‌های رسمی میان خدا و قوم او می‌باشند.

STOP می‌توانید یک عهد رسمی یا پیمان مرسوم را که امروزه استفاده می‌کنید، نام ببرید؟

دو نوع عهد وجود دارد. از نظر تاریخی، یک قرارداد باستانی بین یک پادشاه و رعایایش وجود داشت. این عهد به عنوان یک معاهدهٔ مستقل شناخته می‌شد. این عهد با اعلام اینکه پادشاه کیست و چه کرده است آغاز می‌شود.

> «و خداوند وی را گفت: "مَنَم آن خداوند که تو را از اورِ کَلدانیان بیرون آوردم تا این سرزمین را به ملکیت به تو بخشم"» (پیدایش ۷:۱۵).
>
> «مَنَم یهوه خدای تو، که تو را از سرزمین مصر، از خانهٔ بندگی، بیرون آوردم» (خروج ۲:۲۰).

نوع دوم عهد، بیان می‌کند که پادشاه از زیردستان خود چه می‌خواهد. در این نوع پیمان فهرستی از برکات و پاداش‌ها در ازایِ اطاعت و فرمان‌برداری و فهرستی از مجازات و جرایم در ازایِ نقض پیمان بیان می‌شوند.

> «و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: "تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد

زنهـار نخـوری، زیرا روزی کـه از آن بخـوری به‌یقیـن خواهی مرد"»
(پیدایش ۲:۱۶-۱۷).
لاویان ۵:۱۸ خلاصه‌ای از نحوهٔ عملکرد پیمان است:



«پـس فرایـض و قوانیـن مـرا نـگاه دارید؛ انسـانی که اینهـا را به عمل آورَد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت: من یهوه هستم!»

پیام، کاملا روشن است: اطاعت کرده و زندگی کنید. نافرمانی کنید و داوری پادشاه را به جان بخرید.

مشکل تمام تاریخ جهان، آن است که نژاد بشر هرگز قادر نیست مقررات و قوانین پیمان‌ها را رعایت کند. ما همواره به گناه می‌افتیم و نافرمانی می‌کنیم. نه تمایل داریم و نه قادریم تا به آخر به عهد خود وفادار بمانیم.

STOP فکر می‌کنید وقتی عهد و پیمان را بشکنیم، چه پیامدی در انتظار ماست؟

بگذارید تکرار کنم. **گناه** یعنی اینکه هم **تمایلی به اطاعت نداریم**، **هم قادر به اطاعت نیستیم**. اگر می‌خواهیم با برکت و نعمت خداوند زندگی کنیم؛ پس به نوع دیگری از عهد نیاز داریم. عهدی که متکی به اطاعت گناهکاران نباشد.

STOP آیـا مـا تـلاش می‌کنیم با سخت‌کوشـی مشـکلات گناهمـان را حل کنیم؟ شما به چه طریقی سعی کرده‌اید رضایت خدا را جلب کنید؟



تقریبـا از هـر دو کلمـهٔ رِینـه، یکی ناسزاسـت. او حتی واقعـا متوجه

نیست چند بار ناسزا می‌گوید. این فقط قسمتی از گفت‌وگوهای هر روزهٔ اوست اما وقتی در کنار اعضای کلیساست، بهترین رفتار را از خود نشان می‌دهد. او سخت می‌کوشد زبانش را کنترل کند و مراقب رفتارش باشد. اما به محض آنکه به خانه می‌رسد، همه چیز عوض می‌شود.

گاهی در کلیسا یک «کلمهٔ بد» از دهان او بیرون می‌پرد. یک روز وقتی رِینه در آشپزخانهٔ کلیسا مشغول بود، خودش را سوزاند و عنان اختیار از کف داد و ناسزایی از دهانش خارج شد. ایماندار دیگری صدایش را شنید و فورا افسسیان چهار را به یاد او آورد: «*اجازه نده دهانت به سخن بد گشوده شود.*» رِینه از او عصبانی شد. این آدم فکر می‌کرد کیست که کتاب مقدس را به صورت او می‌کوبید. او بیرون رفت و عهد کرد دیگر هرگز به آنجا بازنگردد. اما آن روز هرچه سعی کرد نتوانست آن آیه را از ذهنش بیرون کند.

آن شب تا صبح بیدار بود، ناگهان متوجه شد چقدر بد حرف زده است. تقریبا هر کلمه‌ای که از دهانش بیرون آمده بود، ناسزا بود. قبلا به این موضوع اصلا توجه نکرده بود؟ بسیار غمگین شد و از خدا خواست در کنترل زبان و پاک‌سازی آن به او کمک کند.

STOP آیا فکر می‌کنید رِینه واقعا متوجه شده است گناهش یک مشکل قلبی است؟ چرا این‌طور فکر می‌کنید؟

«خداوند می‌فرماید: "اینک روزهایی فرا می‌رسد که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست، نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم آن روز که دست ایشان را گرفتم تا از سرزمین مصر به در آورم،" زیرا خداوند می‌فرماید، "آنان عهد مرا شکستند، با آنکه من شوهرشان

بودم." اما خداوند می‌گوید: "این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت "خداوند را بشناسید!" زیرا خداوند می‌گوید، "همه از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد."» (اِرمیا ۳۱:۳۱-۳۴).



«و دلی تازه به شما خواهم بخشید و روحی تازه در اندرونتان خواهم نهاد و دل سنگی را از پیکر شما به در آورده، دلی گوشتین به شما خواهم داد» (حزقیال ۳۶:۲۶).

STOP بدیهی است کتاب مقدس در مورد یک پیوند قلبی صرفا لفظی صحبت نمی‌کند. بنابراین فکر می‌کنید داشتن قلب تازه به چه معناست؟ چه تفاوتی در زندگی خودتان می‌بینید از وقتی خدا به شما قلب تازه‌ای داده است؟



پیت و رِینه چندین سال است از خدمات تامین اجتماعی برخوردار شده‌اند، از وقتی که او از شغلش به عنوان رانندهٔ اتوبوس اخراج شد. پیت دیابت دارد و دچار سکتهٔ قلبی شدیدی شده بود. او قادر نبود کار کند و امیدی هم به شغل دیگری نداشت. بالاخره قرارداد کمک‌های دولتی تامین اجتماعی را بست. اولین کریسمسی که شغلش را از دست داده بود، بسیار سخت گذشت. دست و بالش از نظر مالی خیلی بسته بود. پس رِینه در خانه‌های مردم کار می‌کرد تا بتوانند برای نوه‌هایشان هدیهٔ کریسمس

بخرند. رِینه و پیت اصلا به اعلام درآمد خود فکر نکردند. در واقع هرگز حتی لحظه‌ای هم این به فکرشان خطور نکرد. همه این کار را می‌کنند. همه همیشه کار نقدی انجام می‌دهند. این به کسی صدمه نمی‌زند.

درست چند ماه بعد، مسیحی شدند. آن زمان بود که واقعا به فکر این موضوع افتادند که کار درستی نکرده‌اند. پیت احساس گناه می‌کرد. با رِینه صحبت کرد تا به مرکز خدمات اجتماعی بروند و حقیقت را بگویند و اعتراف کنند که کلک زده‌اند. رِینه عذر و بهانه آورد: «چطور است فقط این کار را کنار بگذارم؟ ما مجبور نیستیم به آنها بگوییم، مگر نه؟ من واقعا نگرانم. اگر مشکل جدی پیش بیاید یا به زندان بیفتم چه؟ نه اصلا نمی‌توانیم بگوییم.»

STOP کدام یک نشانهٔ تحول قلبی را از خود نشان می‌دهند؟ رِینه یا پیت؟

جایگزینیِ قربانی

به محض ورود گناه و شرم به دنیا، به نظر می‌رسد **جایگزینیِ قربانی به عنوان یک راه حل وارد عمل می‌شود.** زمانی که آدم و حوا عریان، محکوم و شرمنده شده بودند و از باغ عدن و حضور خدا بیرون شدند، خدا با فیض و مهربانی خود آنها را با پوست یک حیوان پوشاند و مانع خجالت و شرم آنها شد.



«یهوه خدا پیراهنهایی از پوست برای آدم و زنش ساخت و ایشان را پوشاند» (پیدایش ۳:۲۱).

از فیض و مهربانی خدا به آدم و حوا یک درس ساده و مهم می‌گیریم. برای پوشاندن گناه و شرم، یک جایگزین باید بمیرد و خون او ریخته شود. همان‌طور که داستان کتاب مقدس پیش می‌رود، این حقیقت بیشتر مورد توجه قرار

می‌گیرد. داستان عید پِسَح و نجات قوم اسرائیل از مصر و در پی آن بنای رسم قربانی دادن، کاملا روشن می‌کند که برای پوشاندن گناه، باید به جای آن کسی بمیرد. بنابراین کتاب مقدس ما را به سوی عیسی سوق می‌دهد که مُرد تا گناهان ما را بر روی صلیب به خود بگیرد.



کلید اصلی خواندن عهد عتیق، آن است که در پی مضامین و موضوعاتی باشیم که طی سال‌ها اتفاق افتاده‌اند. در تمام ۳۹ کتاب عهد عتیق، سبک‌های ادبی مختلف و شخصیت‌های زیاد آن، می‌توانیم رد پای وعده‌های خدا را در مسیرهای مختلف ببینیم. در قسمت اول دیدیم که عهد عتیق، کتاب وعده‌هایی است که خواهند آمد. در قسمت دوم می‌بینیم که عهد جدید کتابی است که وعده‌های خدا را محقق می‌سازد.



«چگونه مرد جوان راهِ خود را پاک نگاه دارد؟ با نگاه داشتن کلام تو! تو را به جان و دل می‌جویم؛ مگذار از فرمانهای تو منحرف شوم. کلام تو را در دل خود ذخیره کرده‌ام، تا به تو گناه نورزم» (مزامیر ۱۱۹:۹-۱۱).



نکته چیست؟

عهد جدید به ما نشان می‌دهد

که عیسی منجی است.



۶

چگونه کتاب مقدس را بخوانیم؟

بخش دوم (عهد جدید)

فصل قبل را این‌طور آغاز کردیم که عهد عتیق، کتاب وعده‌هاست. ما بر روی تعدادی از وعده‌ها تاکید کردیم و سپس به چند موضوع مهم در عهد عتیق نگاهی انداختیم.

در عهد جدید از وعده به تحقق می‌رسیم. زیرا خدا وعده‌هایش را برآورده می‌سازد و نقشه‌هایش را به ثمر می‌رساند. ما به همان چهار موضوعی که در قسمت عهد عتیق بررسی کردیم، خواهیم پرداخت و نگاهی اجمالی به چگونگی تحقق آنها در عیسی و کلیسای او خواهیم داشت و اینکه مسائل مهم گناه و مرگ چگونه پشت سر گذاشته شدند.



رِینه همیشه عاشق داستان‌های پدربزرگش در مورد گذشتهٔ خانواده بود. پدر بزرگش در جنگ بزرگ شرکت داشت و چند مدال شجاعت نیز گرفته بود. وقتی رِینه کوچک بود عادت داشت عکس‌های

خانوادگی‌اش را بیاورد و روی میز آشپزخانه بچیند.

هفتهٔ گذشته یک آگهی با این مضمون دید: «فکر می‌کنید دقیقا چه کسی هستید؟» این آگهی مربوط به یک برنامهٔ کامپیوتری بود که به ایجاد شجره‌نامهٔ خانوادگی کمک می‌کرد. قیمت آن ۷/۹۹ پوند در ماه بود. «پیت، دوست دارم این کار را انجام دهم. می‌توانی برای ساخت یک حساب کاربری به من کمک کنی؟»

هر کسی یک شجره‌نامهٔ خانوادگی دارد، **حتی عیسی.**

عهد جدید با این جمله آغاز می‌شود:



«کتاب تاریخچهٔ عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم» (متی ۱:۱).

STOP شجره‌نامه، واژه‌ای فانتزی است. فکر می‌کنید به چه معناست؟

از اولین کلمات به بعد، هدف *عهد جدید* آن است که به خوانندگانش نشان دهد که **عیسی همان مسیح است.** او همان مسح‌شدهٔ برگزیده است. اینکه او آمد تا **کارهای دشمن را نابود سازد و قومش را نجات دهد.**

یکی از روش‌های اصلی که نویسندگان عهد جدید با آن به هدف خود دست می‌یابند، آن است که نشان دهند *عیسی چگونه هر یک از نبوت‌های عهد عتیق* در مورد آمدن مسیح را محقق می‌سازد.

متی انجیل خود را با ارائهٔ یک گزارش دقیق و جزئیات کاملی از شجره‌نامهٔ خانوادگی عیسی آغاز می‌کند. در نگاه اول، به نظر می‌رسد شروع یک کتاب مهم با فهرستی بلند از نام‌ها، خسته‌کننده باشد، اما متی به‌شدت مشتاق است که خواننده‌هایش بفهمند عیسای ناصری، یک شخص واقعی است.

اولین فصل به ما می‌گوید عیسی سه نبوت مهم را محقق ساخته است:

- **او از دودمان داوود بود.**
- **او از نسل ابراهیم بود.**
- **او به قدرت روح‌القدس از باکره متولد شد.**

تمام اینها دقیقا همان‌گونه بود که اِشعیای نبی بیش از هفتصد سال پیش از آنکه حتی متی دست به قلم ببرد (انجیلش را بنویسد)، وعده داده بود.

STOP چقدر عجیب است! فقط یک لحظه به آن فکر کنید. هفتصد سال پیش از آنکه حتی متی شجره‌نامهٔ خانوادگی عیسی را بنویسد، نبی‌ای دربارهٔ جزئیات تولد و میراث او سخن گفته بود. چه چیزی دربارهٔ عیسی می‌گویند؟

در عهد عتیق، شصت‌ویک پیشگویی متمایز دربارهٔ مسیحِ موعود وجود دارد و عیسای ناصری، **تک‌تک آنها را محقق کرده است**. شاید فکر کنید اینکه کار بزرگی نیست. اما کاملا اشتباه می‌کنید. این کاری عظیم است.



پیت شوهر رِینه دوست دارد گاهی روی مسابقات اسب‌دوانی شرط‌بندی کند. حتی گاهی روی فوتبال نیز شرط‌بندی می‌کند. پس او به‌خوبی می‌داند شانس چگونه کار می‌کند.

خب، احتمال اینکه عیسی به طور تصادفی فقط هشت پیشگویی از شصت‌ویک پیشگویی را محقق کند یک به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ است.[۱] این یعنی یک در یک تریلیون،

---

۱. پیتر دبلیو استونر، علم صحبت می‌کند: Chicago: Moody Press, 1958, 97-110

تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون.[۱]

این احتمال‌ها بسیار زیاد هستند، اما وقتی در کنار احتمال شانس‌های شگفت‌انگیز ۶۱ از ۶۱ قرار می‌گیرند، کم‌رنگ می‌شوند.

در طول سالیان، یهودیان بسیاری ادعا کردند که همان مسیحِ موعود هستند، اما همهٔ آنها پشتِ شصت‌ویک مانعِ پیشگویی‌های مسیحایی شکست خوردند. تا آمدن عیسای ناصری که یک در یک تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون، تریلیون است. عهد عتیق به ما نشانه‌هایی می‌دهد تا وقتی مسیح آمد، او را بشناسیم. بسیاری از مردم، قبل و بعد از تولد عیسی ادعا می‌کردند که مسیح هستند، اما هیچ یک از آنها پیشگویی‌های عهد عتیق را محقق نکرده‌اند. عیسی تک‌تک آنها را برآورده کرد.

STOP اکنون که می‌دانیم او تمام نبوت‌های عهد عتیق را محقق ساخته است، دربارهٔ او چه فکری می‌کنیم؟

نویسندگان عهد جدید مشتاقانه تلاش می‌کنند تا همه به این واقعیت پی ببرند که عیسی تمام وعده‌ها و نبوت‌های عهد عتیق را محقق ساخته است. آنها می‌خواهند ما رسا و بلند بشنویم که:

مسیح پادشاه آمده است و دوباره باز خواهد گشت.

همان‌طور که اناجیل را می‌خوانیم باید مدام گوش به زنگ باشیم که از میان خطوط چیزی پیدا کنیم: ... *این تحقق همان نبوتی است که از آن سخن*

---

۱. لی استروبِل، پرونده‌ای برای ایمان: MI: Zondervan, Grand Rapids, 2000, 262

گفته شده است... در فصل قبل دیدیم این وعده‌ها روی هم بنا می‌شوند و بارِ عظیمی از انتظار و حسی عمیق از تمنا و اشتیاق را ایجاد می‌کنند.

تمام این انتظارات و اشتیاق‌ها در نهایت کاملا در شخص عیسای مسیح و کار عیسای ناصری محقق می‌شوند.

نویسندگان انجیل دیدند که او وعده‌های کتاب مقدس را محقق ساخت. در یوحنا ۳۱:۲۰ یوحنای رسول می‌گوید او انجیل را نوشت تا: «باشد ایمان بیاوریم عیسی همان مسیح، پسر خداست، و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید.»

پادشاهی او

موضوع پادشاهی خدا در عهد جدید با آمدن عیسای مسیحِ پادشاه و تولد کلیسای او گسترش می‌یابد و محقق می‌شود. در فصل قبل در مورد شکل و ماهیت این پادشاهی صحبت کردیم. این قوم خدا در جایگاه خدا و تحت حاکمیت خداست.

در عهد عتیق قوم اسرائیل وقتی به پادشاهی خدا فکر می‌کردند، سرزمین اسرائیل به ذهن آنها خطور می‌کرد. اما در عهد جدید می‌بینیم پادشاهی خدا روی تمام زمین گسترانیده می‌شود و **از مردمانی با هر زبان، قبیله و ملت شکل گرفته است.**

بنابراین گرچه عهد جدید با اعلام آمدن آن پادشاهی که مدت‌ها منتظرش بودند شروع می‌شود، اما به‌سرعت متوجه می‌شویم آمدن او انتظارات یا آرزوهای حاکمان مذهبی اسرائیل را برآورده نمی‌سازد.

STOP آنها انتظار داشتند مسیح چگونه باشد؟ به هر آنچه در فصل قبل ذکر شد، فکر کنید.

آنها انتظار داشتند:

- **مسیح آنها پرقدرت بیاید.**
- **تمام دشمنان را در هم بشکند.**
- **رومیان را از بین ببرد.**
- **و روزهای باشکوه پادشاهی داوود و سلیمان را بازگرداند.**

اما او اصلا شبیه انتظارات آنها نبود! در واقع عیسی وارد صحنه می‌شود و مردم را به توبه و ایمان دعوت می‌کند.



«توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است» (متی ۴:۱۷).

عیسی اعلام می‌کند پادشاهی آمده است. اما به جای سرکوب رومیان شریر، او **قوم اسرائیل را به توبه و اعتماد به خود فرا می‌خواند، باشد که نجات یابند.** او در پی *مردم ثروتمند، قدرتمند و با نفوذ نبود، برعکس، او به دنبال فقرا، ستم‌دیدگان، رنج‌دیدگان، رانده‌شدگان، کلاهبرداران و گناهکاران بود.*

بهترین دوستانش مردان و زنان ژنده‌پوشی از قشر کارگر بودند. آنها دزد، پرهیاهو، معترض و حتی آدمکش بودند! او از پادشاهی خدا سخن می‌گوید، اما **این پادشاهی برای رهبران یهود کاملا بیگانه است!** در پادشاهی عیسی:

- **کسانی که در این زندگی، اول هستند؛ آخر خواهند شد.**
- **کسانی که در این زندگی، آخر هستند؛ اول خواهند شد.**
- **غرور در این زندگی، به زیر کشیده خواهد شد.**
- **فروتنی تعالی خواهد یافت.**
- **راه رسیدن به بزرگی، خدمت است.**

● **جادهٔ رسیدن به زندگی، از مرگ خویشتن می‌گذرد.**

عیسای پادشاه *نه برای آن‌گونه حکمرانی و سلطنتی که یهودیان انتظارش را داشتند، بلکه برای خدمت کردن و جان دادن در راه قوم خود آمد.* **عیسای مسیح**، به جای جنگجویی قدرتمند، خدمتگزاری کامل و به جای فاتح، منجی‌ای فروتن بود.



«زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد» (لوقا ۱۹:۱۰).

نجات قوم او از این طریق حاصل می‌شود:

● **حیات کامل او**

● **مرگ فداکارانهٔ او (از طریق قربانی شدن)**

● **رستاخیز پیروزمندانهٔ او.**

(ما در انتهای این فصل به جزئیات کامل این موضوع می‌پردازیم.)

عیسی پس از مرگ و رستاخیز خود، **پیروانش را به همه جای دنیا می‌فرستد** *تا انجیل را موعظه کنند، شاگردسازی کنند، آمدن پادشاهی او را به ملت‌ها اعلان نمایند.*

آنها باید با اطمینان و امنیت کامل به پیش بروند، با علم به اینکه **پادشاه عیسی باز خواهد گشت** تا

● پادشاهی خود را به طور کامل مستقر کند،

● دشمنانش را نابود کند و

● برای همیشه در آسمان های جدید و زمین جدید با قومش زندگی کند.

STOP اینک که یک مسیحی و یکی از پیروان او هستید، فکر می‌کنید این ایمان چه معنایی در زندگی شما دارد؟ چگونه زندگی کنونی شما را تغییر خواهد داد؟



«چون در آنجا عیسی را دیدند، او را پرستش کردند. امّا بعضی شک کردند. آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همهٔ قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم"» (متی ۲۸:۱۷-۲۰).

کتاب اعمال رسولان، داستان رسولان را بیان می‌کند. آنها به قدرت روح‌القدس، خبر خوش عیسی را به جهانیان رساندند. در نتیجه کلیساهای بسیاری افتتاح شدند. این کلیساهای محلی به عنوان سفیران پادشاهی خدا بودند. در این کلیساها، مسیحیان، که از گناهانشان توبه کرده و برای نجات خود به عیسی ایمان آورده بودند، با یکدیگر در یک اجتماع زندگی می‌کردند.

رسولان تمام نامه‌ها و رساله‌های خود در عهد جدید را، خطاب به کلیساها و شبانان نوشتند تا به آنها در پیروی از آموزه‌های عیسی کمک کنند و در این دنیا زندگی مقدسی داشته باشند.

رِینه چهارشنبه عصر در فروشگاهی بود که اتفاقی آدری را دید. رِینه و آدری سال‌های سال دشمن هم بودند. این دشمنی به زمانی برمی‌گردد که بچه‌هایشان در مدرسه با یکدیگر دعوا می‌کردند و از آن پس هر بار که یکدیگر را می‌دیدند به هم فحاشی می‌کردند. یک‌بار هم دعوای آنها به

خشونت کشید و با پلیس تماس گرفته شد. رِینه از این زن متنفر بود و همیشه همین‌طور ماند.

اما به‌تازگی رِینه از رفتار خود با این زن احساس گناه می‌کرد. او با خود کلنجار می‌رفت که این زن را ببخشد. سپس موعظه‌ای دربارهٔ سفیران عیسای پادشاه روی زمین شنید، و واقعا این موضوع روح و روان او را تکان داد.

او تصمیم گرفت بیشتر شبیه عیسی باشد و کمتر شبیه دوستان غیرمسیحی خود. پس به جای داد و فریاد بر سر آدری، او را نادیده گرفت. به خودش افتخار می‌کرد که شبیه عیسی شده است و یک سفیر خوب است!

STOP هر سفارتخانه‌ای در دنیا سفیرانی دارد که نمایندگان آن کشور هستند. آیا فکر می‌کنید رِینه در اینجا سفیر خوبی برای عیسی است؟ فکر می‌کنید رِینه دفعهٔ بعد که آدری را می‌بیند، چه باید بکند؟

هر کلیسای محلی باید همچون شاهدی برای دنیا عمل کند. کلیساها در همهٔ دنیا هستند تا مردم را فرا بخوانند:

- **تا از گناهانشان توبه کنند،**
- **به عیسی اعتماد کنند،**
- **تحت حکومت او بیایند.**

هر کلیسای محلی وجود دارد تا به جهان هشدار دهد که **پادشاهی خدا می‌آید و پادشاه باز خواهد گشت.** همچنین اعلام کنند که **برخی متعلق به این پادشاهی هستند و او را خشنود می‌سازند، برخی دیگر به این پادشاهی تعلق ندارند و مورد غضب او واقع می‌شوند.**

STOP وقتی مردم به شما می‌نگرند، چطور از این طریق می‌فهمند عیسی کیست؟

وقتی عیسای پادشاه بازگردد، کسانی که *در توبه و ایمان نزد او بازنگردند، تا ابد در جهنم خواهند افتاد.*

در آنجا عادلانه به خاطر نافرمانی و گناه خود مجازات خواهند شد. با این وجود کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند، به شباهت او در خواهند آمد و در پادشاهی جاودانه با او زندگی خواهند کرد. کتاب مقدس، با چشم‌اندازی باشکوه از این رویداد به پایان می‌رسد.

«و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: "اینک، مسکن خدا با آدمیان است، و او با آنها ساکن خواهد شد؛ و ایشان قوم او خواهند بود، و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد"» (مکاشفه ۲۱:۳-۴).

چه وعده‌ای به ما می‌دهد! چه آرامش و امید بزرگی برای زندگی آیندهٔ ماست!

عهد جدید و جایگزینی

در فصل قبل گفتیم لاویان ۵:۱۸ خلاصه‌ای از چگونگی عملکرد عهد عتیق ارائه می‌دهد. «پس فرایض و قوانین مرا نگاه دارید؛ انسانی که اینها را به عمل آورَد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت: من یهوه هستم!»

قوانین عهد عتیق بسیار ساده بودند: اگر اطاعت کنید، زندگی خواهید

کرد و اگر نافرمانی کنید با داوری پادشاه روبه‌رو خواهید شد. با این وجود، واقعیت گناه به این معنی است که مردم قادر و مایل به رعایت این پیمان و عهد نیستند.

بنابراین به عهد دیگری نیاز بود. عهدی که متکی به اطاعت گناهکاران نباشد. این دقیقا همان چیزی است که در عهد جدید پیدا می‌کنیم. در همین‌جاست که می‌بینیم عیسای پادشاه تمام خواسته‌های عهد عتیق را محقق می‌سازد و در عین حال عهدی جدید برای ما بنا می‌گذارد.

STOP در زندگی‌تان چقدر فرمان‌بردار هستید؟ آیا همیشه کاری را انجام می‌دهید که به شما گفته شده است؟ آیا همواره از قانون پیروی می‌کنید؟

خدا روشن و واضح بیان می‌دارد که شریعت باید انجام شود. نمی‌توان به‌سادگی آن را کنار گذاشت.

و ما هرگز نمی‌توانیم کاملا از آن اطاعت کنیم، فقط عیسی می‌تواند. عیسی آن زندگیِ سرشار از اطاعتِ کاملی را که خدا (از انسان) انتظار دارد، زیست و پاداشِ حیات را به دست آورد.

او وقتی روی صلیب می‌رود، لعنت شریعت، مجازات گناه و نافرمانی را به خود می‌گیرد. در حقیقت گناه قومش را به خود می‌گیرد و با داوری عادلانه‌ای که این قوم سزاوار آن بودند، روبه‌رو می‌شود.

عیسی زیر خشم و غضب کامل خدا له می‌شود. او روی صلیب به مرگی محکوم می‌شود که مردمانش سزاوار آن بودند. عیسی تمام شروط و ملزومات عهد عتیق را برای ما برآورده ساخت؛ اطاعت کنید و زندگی کنید، یا نافرمانی کنید و با داوری پادشاه روبه‌رو شوید.

او در جایگاه نافرمانان و طغیانگران قرار گرفت و از این رو با داوری پادشاه

روبه‌رو شد. او تمام مدت مطیع خدا بود؛ بنابراین اینک زندگی می‌کند. رستاخیز عیسی دلیل بزرگی است که ثابت می‌کند پدر، زندگی و قربانی او را پذیرفت و او تمام شریعت را محقق ساخت.

با تحقق عهد عتیق، عیسی عهدی جدید بنا می‌گذارد. این عهد جدید مستلزم ایمان به عیسی است. خبر خوب این است که هر کسی به او اعتماد کند، نه تنها پارسایی و عدالت او، بلکه پاداش زندگی جاودان را به دست می‌آورد. اینک روح‌القدس به تمام کسانی که عیسی برایشان مُرد، حیات نو عطا می‌کند. ما قلب تازه‌ای می‌گیریم که اکنون از گناه متنفر است و به عیسی محبت و اعتماد می‌کند. فراتر از آن، اینک با خوشحالی در اطاعت از خدا زندگی می‌کنیم. ما شکرگزار فیض او در مسیح هستیم. سپس در یک کلیسای محلی تعمید داده می‌شویم و در آنجا همنشینی با دیگر مسیحیان را جشن می‌گیریم. کلیساها برای یادآوری کار عیسی برای آنها، از جمله قربانی بزرگ او، گرد هم می‌آیند تا زمانی که ما او را در مرگ ملاقات کنیم یا او دوباره بیاید.

عهد جدید از همان آغاز خود کاملا نشان می‌دهد که عیسی همان مسیح برگزیده است؛ او آمده تا کارهای دشمن را نابود سازد و مردمانش را از گناه نجات دهد. او پیوسته تمام نبوت‌های کتاب عهد عتیق را که از آمدن او می‌گویند، محقق می‌سازد. طبق وعده، او برای قوم‌ها برکت است. او به‌رایگان به همهٔ ما عطا شده است، برای نجات. عیسای مسیح صد در صد منجی واقعی است!

«زیرا مزد گناه مرگ است، امّا عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیحْ عیساست» (رومیان ۶:۲۳).



نکته چیست؟

تمام کتاب مقدس به امروز

مربوط است.



۷

آیا کتاب مقدس به امروز هم مرتبط است؟

STOP شما چه فکر می‌کنید؟ آیا کتاب مقدس به امروز هم مربوط است؟ همیشه؟ گاهی؟ اصلا؟

تا اینجا ثابت کردیم کتاب مقدس صد در صد قابل اعتماد است. خب به من چه ربطی دارد؟ چرا این همه دردسر بکشم و آن را بخوانم؟ منظورم این است کتابی که هزاران سال پیش نوشته شده است، واقعا چه چیزی دربارهٔ زندگی در قرن بیستم دارد؟



«رِینه مدام به تو می‌گویم، داری وقتت را هدر می‌دهی. آن چرندیات وحشیانهٔ کتاب مقدس از مد افتاده و بیهوده هستند. من نمی‌دانم چرا این همه وقتت را صرف خواندن آن می‌کنی. اگر از من می‌پرسی اتلاف وقت است.» پیت این را در حالی که از بالای روزنامه نگاه می‌کرد، گفت. رِینه کنار میز نشسته بود در حالی که کتاب مقدس جلوی او باز بود، گفت:

«من هم از تو نپرسیدم، پرسیدم؟» هر بار او کتاب مقدس را باز می‌کرد، پیت این بحث را شروع می‌کرد. گاهی رِینه فکر می‌کرد شاید او درست می‌گوید.

بسیاری از مردم مانند پیت می‌گویند کتاب مقدس کاملا بی‌ربط به امروز است. پس بیایید دو دلیل را بررسی کنیم که نشان می‌دهند آنها اشتباه می‌کنند.

دلیل اول، مردم واژهٔ ارتباط را با محبوبیت اشتباه می‌گیرند. کتاب مقدس دربارهٔ موضوعاتی مانند زندگی و مرگ، ماهیت خوبی و بدی، نقش جنسیت، پاکی در روابط جنسی، همجنس‌گرایی، ازدواج و طلاق چیزهای زیادی می‌گوید. مشکل بسیاری از افراد آن است که هر آنچه کتاب مقدس می‌گوید را در تضاد با باورهای فرهنگ مدرن می‌دانند.

به همین دلیل مردم کتاب مقدس را به عنوان کتابی احمقانه، متعصبانه و کوته‌فکرانه رد می‌کنند.

دلیل دوم، بسیاری از مردم در جوامع امروزی تصور می‌کنند هر چیزی جدیدتر باشد بهتر است؛ بنابراین کتاب مقدس یک کتاب بسیار قدیمی است و آن را برای دنیای مدرن امروز بی‌فایده می‌دانند.

بیایید نگاهی مفصل به این مسائل داشته باشیم.

اشتباه گرفتن ارتباط داشتن با محبوبیت



فرض کنید من دقیقا می‌دانم شما بیماری کشنده‌ای دارید که به‌راحتی درمان می‌شود. آیا باید این خبر را پیش خودم نگه دارم یا به شما اطلاع دهم تا بتوانید درمان شوید؟ چرا باید از گفتن این خبر به دلیل ترس از ناراحت شدن شما، اجتناب کنم؟

بدیهی است باید خبر را به شما بگویم، هر چقدر بد باشد. آیا با شادی و

خوشحالی از این خبر استقبال می‌کنید؟ خیر، به تصور من اصلا از خبر این بیماری کشنده، ناراحت‌کننده و ناخوشایند استقبال نمی‌شود. با این وجود این مهم‌ترین و مرتبط‌ترین اطلاعاتی خواهد بود که ممکن است دریافت کنید. فرض کن خانه‌ات گرفتار آتش شود، اما نیمه‌شب باشد و تو از اینکه ناگهان از خواب بیدار شوی، متنفری. آیا باید بگویم: «بسیار ناراحت‌کننده و ناخوشایند است مردم را ناگهان در نیمه‌شب از خواب بیدار کنید، باید بگذاریم بخوابند؟» خیر، این بسیار وحشتناک است. من باید به آتش‌نشانی زنگ بزنم و سعی کنم تو را نجات دهم.

در مورد کتاب مقدس و هر آنچه تعلیم می‌دهد نیز همین موضوع صادق است. کتاب مقدس آمده است تا چیزهای دشواری را به نسل بشر بگوید. کتاب مقدس می‌گوید که کل دنیا در معرض شورش علیه پادشاه جهان است. به همین دلیل دنیا در معرض خطر سقوط ابدی به جهنم قرار دارد.

اما پادشاه راهی برایمان هموار ساخته است تا از این مجازات بگریزیم. اینکه از گناهانمان روی برگردانیم و به عیسی ایمان بیاوریم تا بتوانیم از مجازات خدا رها شویم. مسیحیان معتقدند کل دنیا باید این پیام را بشنوند. هرچند فرهنگ ما تصور می‌کند هر آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، متعصبانه، کوته‌فکرانه و منسوخ است.

اما ما آن را فقط نزد خود نگه نمی‌داریم.

چرا؟ زیرا نمی‌خواهیم مردم تا ابد در جهنم باشند.

پِن جیلت[1]، شعبده‌باز مشهور و بی‌خدای معروف دنیا (یکی از اعضای پِن و تِلِر) پرسشی می‌پرسد: «چقدر باید از کسی متنفر باشی که به او بشارت ندهی؟ چقدر باید از کسی متنفر باشی که بدانی

1. Penn Jillette

زندگی جاودان وجود دارد، اما به او نگویی؟»

جیلت به همان نکته‌ای پی برده بود که ما می‌گوییم. اگر کتاب مقدس حقیقت است (که هست)؛ پس **مهم‌ترین و مرتبط‌ترین** خبر دنیاست، چه محبوب باشد، چه نباشد.

STOP آیا کسانی را می‌شناسید که فکر می‌کنند کتاب مقدس به دنیا مرتبط نیست؟ به آنها چه می‌گویید؟

پیام اصلی کتاب مقدس زمان ندارد.

حقایق گناه، عدالت و داوری هرگز محبوب نبوده‌اند. بشر هرگز از این پیام که گناهکار است، استقبالی نکرده است. اما باید حقیقت را بشنود چه محبوب باشد، چه نباشد. نگفتن آن، نشان تنفر است.

مسائل مهم

کتاب مقدس نه فقط حقایق غیرمعروف، بلکه حقایق مرتبط را به ما عرضه می‌کند. به‌روشنی دربارهٔ بسیاری از پرسش‌های مهم زندگی سخن می‌گوید. پاسخِ پرسش‌هایی را دارد که اگر نبود، هرگز به آنها دست نمی‌یافتیم.

STOP چرا من اینجا هستم؟ هدف اصلی زندگی چیست؟

از بسیاری جهات این مهم‌ترین پرسش دنیاست. اگر تلویزیون‌ها، کامپیوترها و تلفن‌های خود را خاموش کنیم، یک گوشه ساکت بنشینیم و به دنیایی فکر کنیم که در آن زندگی می‌کنیم، در نهایت از خود می‌پرسیم، چرا؟ ما

فرصت داریم تا در جست‌وجوی پاسخ‌های معنادار باشیم. علم و فلسفهٔ دنیوی به ما می‌گویند که هیچ معنا و هدف مهمی در زندگی وجود ندارد. آنها می‌گویند از هیچ آمدیم و به هیچ بازمی‌گردیم. به ما گفته شده است نتیجهٔ یک انفجار کیهانی هستیم؛ زندگی فقط یک شوخی ظالمانه است، یک تصادف که پایان آن مرگ است.

اما عمیقا می‌دانیم زندگی، **آن‌قدر ارزشمند است که نمی‌تواند بی‌هدف باشد.**

ما می‌دانیم جهان **آن‌قدر پیچیده است که نمی‌تواند تصادفی باشد.**

ما می‌دانیم دنیا **آن‌قدر زیباست که نمی‌تواند بی‌منظور باشد.**

ما فقط در میان صفحات کتاب مقدس، پاسخ‌های معنادار عمیق‌ترین پرسش‌های خود را پیدا می‌کنیم.

کتاب مقدس با این حقیقت ساده آغاز می‌شود که:

«در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید» (پیدایش۱:۱).

این جمله یعنی جهان و هر آنچه در آن است، از جمله خود ما، به دلیلی وجود دارد. یعنی ما ارزش و هدف داریم. به دلیلی اینجا هستیم. اشعیا ۷:۴۳ این دلیل را عنوان می‌کند: «یعنی هر که را که به نام من خوانده می‌شود و او را برای جلال خویش آفریده، و سرشته و ساخته‌ام»، ما برای جلال خدا خلق شدیم. این عبارت عجیبی است، اما اساسا بدان معناست که ما خلق شدیم تا بازتاب **ابهت، تقدس، عدالت، محبت، و شگفتی** خالق خودمان باشیم.

STOP اگر این درست است؛ پس چرا این‌قدر رنج در دنیا هست؟

هیچ چیزی مانند درد و رنج باعث نمی‌شود ما بپرسیم چرا؟ برخی می‌پرسند چگونه یک خدای خوب اجازه می‌دهد رنج ایجاد شود. *آنها تصور می‌کنند وقتی رنج وجود دارد، پس خدا وجود ندارد.* سی. اِس. لوئیس، آن نویسندهٔ باهوش می‌گوید: «ما می‌توانیم خوشی و لذت را نادیده بگیریم، اما قطعا به درد بی‌توجهی نمی‌کنیم. خدا در خوشی‌هایمان با ما زمزمه می‌کند، در وجدانمان با ما سخن می‌گوید، اما در دردهایمان با ما فریاد می‌زند. این بلندگوی او برای بیداری ناشنوایان است.»

وقتی رنج می‌کشیم، می‌پرسیم چرا؟ زیرا می‌دانیم در عمق وجودمان چیز اشتباهی اتفاق افتاده است. ما ذاتا می‌دانیم قرار نیست زندگی این‌طور پیش برود. وقتی در اخبار می‌بینیم که افراد شرور با وجود اعمال شیطانی باز هم جان سالم به در می‌برند، یا می‌شنویم چه جنایت‌های وحشتناکی رخ داده است، فریاد عدالت‌خواهی برمی‌آوریم، زیرا عمیقا می‌دانیم که شریر باید مجازات شود. ما چنین احساسی داریم، زیرا **به شباهت خدا آفریده شده‌ایم.** کتاب مقدس توضیح می‌دهد:

که چرا رنج وجود دارد،
که روزی عدالت خدا اجرا خواهد شد،
که واقعیت رنج ابدی چیست،
که چگونه از داوری خدا می‌توان رها شد؛ از طریق کار تمام‌شدهٔ عیسای مسیح.

رنج وجود دارد، چون بشر از خالق خود نافرمانی کرده است. ما با حکمرانی بر این دنیا خلق شدیم، اما نافرمانی ما، مرگ و زوال را به این دنیا آورد.

«زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به ارادهٔ او

که آن را تسلیم کرد، با این امید که خودِ خلقت نیز از بندگی فساد رهایی خواهد یافت و در آزادی پرجلال فرزندان خدا سهیم خواهد شد» (رومیان ۸:۲۰-۲۱).

این آیه توضیح می‌دهد که گرچه دنیا ازهم‌گسیخته است و آن چیزی نیست که باید باشد، روزی فرا خواهد رسید که تازه می‌شود و از زیر تباهی و واقعیت مرگ نجات خواهد یافت. **وقتی عیسی بازگردد**، کسانی که به او اعتماد کرده‌اند در کنار او هستند و او این دنیا را به کمال خواهد رساند **و ما تا ابد همراه او** در دنیایی از لذت و شادی زندگی خواهیم کرد.

آن روز آخر، پایان تمام شرارت‌ها و بی‌عدالتی‌ها خواهد بود. به هر چیزی که فکر می‌کنیم از نظرها پنهان مانده است، نور خواهد تابید و آشکار خواهد شد و پادشاه جهان به عنوان داور عادل عمل خواهد کرد و داوری او تا ابد انجام خواهد شد. در کتاب مکاشفه، یوحنای رسول نگاهی اجمالی به آن روز آخر دارد و می‌نویسد:

«آنگاه تخت بزرگ و سفیدی دیدم، و کسی را که بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او می‌گریختند و جایی برای آنها نبود. و مردگان را دیدم، چه خُرد و چه بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شد. دفتری دیگر نیز گشوده شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند. دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهانِ مردگان نیز مردگان خود را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد. و مرگ و جهانِ مردگان به دریاچهٔ آتش افکنده شد. دریاچهٔ آتش، مرگ دوّم است. و هر که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود، به دریاچهٔ آتش افکنده شد» (مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵).

مکاشفه ۸:۱۳ چیزهای بیشتری دربارهٔ دفتر حیات به ما می‌گوید. آن را به عنوان «دفتر حیات بره‌ای که ذبح شد» ذکر می‌کند؛ یعنی هر که به عیسی اعتماد کرده و از او پیروی کند، نجات خواهد یافت.

شریر، تاریخ انقضا دارد. روزی عیسی باز خواهد گشت و آن روز، پایان تمام شرارت‌هاست. کسانی که شریر را دوست دارند و عیسی را انکار می‌کنند تا ابد در جهنم خواهند افتاد. هیچ چیزی در دنیای ما مرتبط‌تر از این خبر نیست!



کتاب مقدس مرتبط‌ترین کتاب در دنیاست. فقط در کتاب مقدس می‌توانیم پاسخِ پرسش‌های زندگی را پیدا کنیم. با این وجود کتاب مقدس باورها و اخلاقیات ما را به چالش خواهد کشید، اما نباید این را با قدیمی بودن یا عدم ارتباط اشتباه بگیریم. حقیقت آن برای همیشه در میان تمام نسل‌ها باقی خواهد ماند، چه محبوب باشد، چه نباشد.



«قدرت الهیِ او هر آنچه را برای حیات و دینداری نیاز داریم بر ما ارزانی داشته است. این از طریق شناختِ او میسر شده که ما را به واسطهٔ جلال و نیکویی خویش فرا خوانده است» (دوم پطرس ۳:۱).



نکته چیست؟

عیسی به‌راستی تعالی یافت
و ما باید برای نجات به او
اعتماد کنیم.



۸
چگونه کتاب مقدس به عیسی اشاره می‌کند؟

سراسر کتاب مقدس دربارهٔ عیسی است.

STOP رِینه می‌پرسد: «چگونه است؟ عیسی تا زمان عهد جدید ظاهر نشده است.»

شما چه فکر می‌کنید؟ آیا با رِینه موافق‌اید؟
بیایید نگاهی به عبرانیان ۱:۱-۳ بیندازیم:



«در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطهٔ پیامبران با پدران ما سخن گفت، اما در این ایام آخر به واسطهٔ پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطهٔ او جهان را آفرید. او فروغِ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.»

این آیات با تقسیم تاریخ به دو قسمت آغاز می‌شوند: مدت‌ها پیش و روزهای آخر. دو بخش کتاب مقدس، راه آسانی برای ردیابی این دو دوره است؛ **عهد عتیق و عهد جدید.**

نویسندهٔ عبرانیان، با یادآوری این موضوع آغاز می‌کند که خدا به فیض خود هزاران سال با قومش ارتباط برقرار کرد و خودش را آشکار ساخت. عبارت «بارها و از راه‌های گوناگون» در مورد کتاب‌ها و نویسندگان مختلف عهد عتیق سخن می‌گوید.

عبارت «ایام آخر» نشانهٔ آمدن عیسی، پسر خداست. این آیات به ما می‌گویند عیسی مضمون مهم کل کتاب مقدس و وارث همه چیز است. بیایید مابقی فصل را به تعمق در مورد این موضوع بپردازیم:

عیسی وارث همه چیز است.

STOP در مورد معنای کلمهٔ وارث چه نظری دارید؟

عبارت «وارث همه چیز» به این معناست که **عیسی کسی است که در نهایت مالک همه چیز است.** او کسی است که در ایام آخر، همه چیز را به ارث خواهد برد و این شامل تک‌تک ما نیز می‌گردد.



رِینه می‌گوید: «فقط کمی صبر کنید. عیسی مالک من است؟ هیچ کسی مالک من نیست، حتی پیت.» در این باره به رِینه چه می‌گویید؟

ما باید درک کنیم که عیسی، مالک و وارثِ **هر آن چیز و هر آن کسی است که**

وجود دارد، وجود داشته است یا در آینده وجود خواهد داشت. اما، موضوع به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ **عیسی مکاشفهٔ کامل و نهایی خداست.**



«او فروغِ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست» (عبرانیان ۱:۳).

این آیه در نگاه اول کمی عجیب به نظر می‌رسد. اما نویسنده می‌گوید که عیسی پسر خدا، **مکاشفهٔ کامل و نهایی خداست.** عیسی آینهٔ تصویر خدای پدر است. منظور نویسنده از *«مظهر کامل ذات او»* همین است.

از ابتدای این کتاب ما گفته‌ایم که کتاب مقدس وجود دارد، چون خدا می‌خواهد خودش را برای ما آشکار سازد. او مایل است ما بدانیم او چگونه است و چه کاری انجام داده است. ما در ابتدای کتاب متوجه شدیم که او یک خدای متکلم است. او از طریق پسرش، آشکارا سخن گفته است.

عیسی پسر خدا، دومین شخص تثلیث است. او **انسان شد** تا خدا را به ما نشان دهد و ما را از گناه نجات بخشد.

در یوحنا ۱:۱۸، یوحنای رسول آن را توضیح می‌دهد:



«هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است. امّا آن پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان او را شناسانید.»

اگر می‌خواهیم بدانیم خدا شبیه چیست، باید به عیسای ناصری نگاه کنیم.

STOP شاید مکاشفه، کلمهٔ عجیبی برای ما باشد. فکر می‌کنید منظور از

«عیسی مکاشفهٔ کامل خداست» چه باشد؟

کتاب مقدس در مورد این واقعیت قطعی سخن می‌گوید؛ *عیسی یگانه منجی گناهکاران است*. ما نمی‌توانیم خدا را انکار کرده و تصور کنیم او راه دیگری برای نجات ما از خشم و غضب خودش به ما نشان داده باشد. ما یا در تیم عیسی هستیم، یا زیر غضب خدا. راه سومی وجود ندارد. اگر عیسای خداوند را انکار کنیم در حالی که روی زمین زندگی می‌کنیم، او نیز هنگام مرگمان ما را انکار خواهد کرد.

STOP با توجه به انجیل عیسی، شما کجا قرار دارید؟ اگر برای بخشش گناهانتان به عیسی اعتماد ندارید؛ پس به چه کسی اعتماد دارید؟

پولس رسول در اول تیموتائوس ۲:۵-۶ می‌نویسد:

«زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیحْ عیسی است؛ او که با دادن جان خود، بهای رهایی جملهٔ آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد.»

STOP این موضوع بسیار جدی است. در حال حاضر در دنیا چیزی مهم‌تر از این وجود ندارد. اگر در کنار عیسی نمی‌مانیم؛ پس مقصد ما جهنم است. اگر مسیحی هستید؛ پس زمانی را به دعا برای روح خانواده و دوستانتان صرف کنید. در کتاب مکاشفه ۸:۱ عیسی به یوحنا می‌گوید: «خداوندْ خدا می‌گوید: "مَنَم الف و مَنَم ی؛ مَنَم آن که هست و بود و می‌آید، آن قادر مطلق.»

اما باید چیزهای بیشتری دربارهٔ عیسی بدانیم.

عیسی خالق است



«امّـا در ایـن ایـام آخر به واسـطهٔ پسـر خود با ما سـخن گفته اسـت، پسـری که او را وارث همه چیز مقرر داشـت و به واسـطهٔ او جهان را آفرید» (عبرانیان ۱:۲).

عیسـی خالق جهان اسـت. هر چیزی وجود دارد به واسـطهٔ قدرت او به وجود آمـده اسـت. یوحنـای رسـول گـزارش خـود را بـا خدمـت زمینـی عیسـی آغاز می‌کند و چنین می‌گوید:



«در آغـاز کلام بـود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛ همان در آغاز با خدا بود. همه چیز به واسـطهٔ او پدید آمد، و از هرآنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت» (یوحنا ۱:۱-۳).

عیسی طراح ما، خالق ما و مالک ماست.



پیت مردی بود که وسایل اسقاطی و قراضه را از همه جا برمی‌داشت و تعمیـر می‌کـرد. تکه‌هـای کوچـک و بـزرگ موتورهـای قدیمـی و قطعات موتورسـیکلت‌ها همیشـه در اطـراف خانه پخش بودنـد. این موضوع گاهی باعث عصبانیت رِینه می‌شـد. یک شـب پیت، اسکوتر برقی قدیمی را با خود روی زمین می‌کشید. پر از گرد و خاک بود و انگار سال‌ها بیرون مانده بـود. رِینـه از جلوی در فریاد زد: «امکان ندارد اجازه دهم آن را بیاوری داخل!» پیـت گفـت: «بی‌خیال رِینـه، الان این‌طوری اسـت، وقتی درسـتش کنم باید

نگاهش کنی!» اما رِینه متقاعد نشد و گفت: «همان بیرون بماند. اگر از من بپرسی، می‌گویم پول هدر دادن است.»

پیت حدود یک ماه روی آن اسکوتر کار کرد و به‌تدریج ظاهر آن بهتر و بهتر می‌شد. او تقریبا تمامِ ساعاتِ بیداری‌اش را صرفِ این کرد که آن را برای جاده آماده کند. این باعث غرور و لذت او بود.

یک روز یکی از نوه‌های پیت دوان دوان به باغ آمد تا او را ببیند. «پدربزرگ، پدربزرگ! جک پیر می‌گوید که پول کافی برای اسکوتر به او نداده‌ای و او می‌گوید که چند نفر را می‌فرستد تا آن را از تو بگیرند!» پیت پر از خشم بود. اسکوتر مال او بود. آن را از ضایعات، از نو ساخته بود. او با صبر و حوصله تمام اجزاء را بازسازی کرده بود. او در این کار خون، عرق و اشک ریخته بود. به هیچ وجه اجازه نمی‌داد کسی آن را از او بگیرد. او منصفانه و صادقانه مالک آن بود.

ما دوست داریم خود را ارباب زندگی و سرنوشت خود بدانیم. با این حال، **حقیقت این است** که: *ما متعلق به خودمان نیستیم. ما متعلق به کسی هستیم که ما را ساخته است.*

خالق باید قوانینی را برای نحوهٔ استفاده از خلقت خود تعیین کند. اگر تاکنون نمی‌دانستیم که همهٔ آن دستورات در کتاب مقدس چیست، آنها شرایط و ضوابط خدا برای استفاده از جهان است که او از طریق پسرش خلق کرده است.

پولس رسول می‌نویسد: «زیرا همه چیز به واسطهٔ او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانروواییها، ریاستها و قدرتها، همه به واسطهٔ او و برای او آفریده شدند» (کولسیان ۱:۱۶).

این قطعه از کتاب کولسیان به ما می‌گوید که جهان و هر آنچه در آن است را فقط عیسی آفرید و فقط برای عیسی خلق شد؛ جهان مایملک اوست و برای نمایش جلال او آفریده شد.

اما از این هم فراتر است! **عیسی محافظ و نگهدارنده است.**



«او فروغِ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست» (عبرانیان ۱:۳).

عیسی نه تنها پسر خدای خالق و مالک همه چیز است، بلکه همه چیز را به واسطهٔ کلام قدرتمند خویش نگاه می‌دارد.

STOP با دقت فکر کنید. ما نفَس می‌کشیم و این کتاب را می‌خوانیم، زیرا عیسی وجود ما را حفظ می‌کند. قلب‌های ما می‌تپند، زیرا او می‌گوید بتپند. خورشید طلوع و غروب می‌کند. جزر و مد می‌شود. زمین به دور خود و خورشید می‌چرخد. همه با کلام عیسی انجام می‌شوند.

جری بریجز[1] این نکته را به زیبایی بیان می‌کند:

«کتاب مقدس به ما یاد می‌دهد همان‌گونه که پسر خدا عامل خلقت بود و نگهدارندهٔ آن است، همچنین عامل مشیت، خداست. نه تنها عیسی بر قوانین فیزیکی جهان، بلکه بر تمام رویدادها و شرایط جهان از جمله هر چیزی که برای هر یک از

1. Jerry Bridges

ما اتفاق می‌افتد، احاطه داشته و تحت حاکمیت اوست. اگر امروز در کابینت و یخچال‌های خود مواد غذایی داریم، نتیجهٔ مراقبت عیسی از ماست؛ درست همان‌طور که پنج هزار نفر را طعام داد.»[۱]

این حقیقت پیچیده‌ای نیست، اما گاهی به‌سختی می‌توانیم آن را بفهمیم. عیسی به معنای واقعی کلمه بر همه چیز حاکم است و او پادشاه مطلق جهان است. این یک حقیقت ساده است که ما نمی‌توانیم مطلقا بدون او کاری انجام دهیم. او برای جلال خدا و خیر قوم خدا، جهان را استوار می‌گرداند و بر همه چیز حاکم است.

رِینه می‌گوید: «من نمی‌دانم آیا بیش از این می‌توانم تاب بیاورم یا نه. از وقتی پیت شغلش را از دست داد، شرایط سختی را می‌گذرانیم. ما تازه روی پای خودمان ایستاده بودیم. من خیلی ترسیده‌ام که تامین اجتماعی فکر کند مرتکب کلاهبرداری شده‌ایم و کارمان به دادگاه بکشد. می‌دانم به من یادآوری می‌کنید که همه چیز تحت کنترل خداست، اما واقعا من چنین احساسی ندارم. اگر به زندان بیفتم چه؟»

STOP چطور به رِینه یادآوری می‌کنید همه چیز زندگی او در دستان خداست؟ اگر او در نهایت دادگاهی شود، به او چه خواهید گفت؟

دیگر نیازی نیست چیز بیشتری دربارهٔ عیسی بدانید.

---

۱. جری بریجِز: https://www.ligonier.org/learn/articles/providence-jesus/ بازدیدشده در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۸

عیسی منجی ماست



«او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست» (عبرانیان ۱:۳).

تا اینجا یاد گرفتیم وقتی صحبت از اطاعت خدا باشد، ما نیز مانند آدم و حوا هستیم. ما گناه، منیّت و نافرمانی را به اطاعت از خدا و مالکیت او بر تمام زندگی ترجیح می‌دهیم. نتیجهٔ گناه آن است که ما زیر لعنت عادلانهٔ خدای قدوس و عادل هستیم.

مزد گناه، مرگ است.

از آنجایی که گناه، ارتکاب جرمی است که علیه خدای بی‌نهایت ارزشمند و زیبا، صورت گرفته؛ پس سزاوار مجازات ابدی در جهنم هستیم.

اما **خبر خوبی** هم هست. خداوند در فیض و نیکیِ بیکرانِ خود، راهی را فراهم کرده است تا گناهکارانِ شریر از مجازات عادلانه‌ای که سزاوارش هستند، رهایی یابند.

او یگانه پسرش را به دنیا فرستاد، او از باکره به صورت انسانی کامل متولد شد و اما عاری از تمام گناهان و نقص‌های ما، عیسی کاری برای ما انجام داد که هیچ یک از ما نمی‌توانستیم. او معیارهای کامل مورد نظر خدا را برآورده کرد. عیسی طوری زندگی کرد که هیچ یک از ما نکرده بودیم، در ثانیه به ثانیهٔ هر روز، **او از فرامین شریعت، اطاعت کامل کرد.**



«پس فرایض و قوانین مرا نگاه دارید؛ انسانی که اینها را به عمل آورَد، به واسطهٔ آنها حیات خواهد داشت: من یهوه هستم» (لاویان ۵:۱۸).

عیسی این کار را کرد و سپس کار دیگری انجام داد که کاملا شگفت‌آور است.

در بزرگ‌ترین ابراز فیض و محبت خود، عیسی بر روی صلیب می‌رود. روی آن تنهٔ درخت، عیسی مرگی را به خود می‌گیرد که تمام ایمانداران به او، سزاوارش بودند. او زیر غضب شدید و مقدس خدا در هم شکست. اشعیای نبی در مورد کار عیسی چنین می‌نویسد:



«همهٔ ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم، و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد» (اشعیا ۶:۵۳).

اما مرگ نتوانست او را در خود نگه دارد. در روز سوم، *عیسی از گور برخاست و جلال یافت و بر شیطان، گناه و مرگ پیروز شد.*

خدا به وعدهٔ خود عمل کرد، عدالت خدا پابرجا خواهد بود. عیسی به او وفادار بود؛ بنابراین زندگی می‌کند! به‌علاوه رستاخیز او دلیلی بر این است که هر چیزی که گفت، شد و خدای پدر کار نجات‌بخش او برای قومش را پذیرفت. تمام کسانی که برای نجات به او اعتماد می‌کنند، روزی **با او و به شباهت او** خواهند بود.

عبرانیان ۳:۱ به ما می‌گوید: *«پس از پاک‌سازی گناهان، بر دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.»* هم‌اینک نیز عیسی بر تخت آسمان نشسته است. او یک روز بر همه چیز حکمرانی می‌کند.

او روزی باز خواهد گشت تا قومش را در پادشاهی کامل خویش گرد هم آورد و کسانی را که به نافرمانی از او ادامه می‌دهند، داوری خواهد کرد.

تا آن روز برسد، پادشاه جهان بر تمام قوم خود در هر جایی فرمان می‌دهد که از گناهان توبه کنند و برای زندگی ابدی و پیروزی بر مرگ و گناه به او ایمان بیاورند.

اما بیش از این هم هست! عیسی نه تنها قومش را از گناه نجات داد، بلکه کل خلقت را رهایی بخشید. پولس رسول نیز آن را این‌چنین توصیف می‌کند.



«زیرا خلقت با اشتیاق تمام در انتظار ظهور پسران خداست. زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به ارادهٔ او که آن را تسلیم کرد، با این امید که خودِ خلقت نیز از بندگی فساد رهایی خواهد یافت و در آزادی پرجلال فرزندان خدا سهیم خواهد شد» (رومیان ۸:۱۹-۲۱).

عیسی به جهانیان فرصت داد تسلیم بطالت نشوند و برای نجات، به او بنگرند.

زمانی که عیسی بازگردد، جهان کامل خواهد شد و از بند بندگی فساد، رها خواهد گردید.



کل کتاب مقدس دربارهٔ عیسی است. نه فقط این، بلکه او تمام داستان را نیز نوشت. او خدای پسر است، شخص دوم تثلیث، و او همه چیز را آفرید، همه چیز را نگاه می‌دارد، همه چیز را نجات داد و او وارث همه چیز است. عیسی پادشاه جاودانه و پادشاهی ابدی است. روزی عیسی آسمان را خواهد شکافت و تمام چشم‌ها او را خواهند نگریست و همه در برابر او زانو خواهند زد. اگر در زندگی زمینی خود به او اعتماد کرده‌ایم؛ پس در جلال آسمانی آینده، در امنیت خواهیم بود.

با این وجود اگر انتخاب ما این بوده است که او را نادیده بگیریم، انکار کنیم و در نافرمانی از او زندگی کنیم؛ پس دچار دردسر بدی خواهیم شد. مکاشفه ۱۴:۱۰-۱۱ به ما می‌گوید که همهٔ بی‌ایمانان «در حضور فرشتگان

مقدّس و در حضور بره با گوگردِ مشتعل عذاب خواهد شد. و دود عذاب آنان تا ابد بالا خواهد رفت.»

امروز روزی است که باید به تنها کلام خدا، عیسای پادشاه، اعتماد کنیم. جاودانگی روح به آن بستگی دارد.



رِینه در حالی که در اتاق انتظار جراحی نشسته بود تا او را صدا بزنند، بسیار نگران و مضطرب بود. اما برخلاف همیشه غافلگیر نشده بود. او از خودش پرسید: «آزمایش خون غیرنرمال؟ واقعا یعنی چه؟» او پیش از آنکه مسیحی شود، اگر چنین چیزی برایش رخ می‌داد، حتما به هم می‌ریخت. او داشت فکر می‌کرد و بدترین‌ها را متصور می‌شد. صادقانه بگویم او قبلا می‌ترسید به دکتر مراجعه کند. او فکر کرده بود موضوع آزمایش را به پیت بگوید، اما به دلایلی نگفت. او با خودش گفت: «دلیلی ندارد هر دوی ما نگران شویم.» اما نگران بود که شاید پیت بهانه‌ای پیدا کند که منکر خدا شود.

همه چیز گیج‌کننده به نظر می‌رسید. او به نیرویی از جایی نیاز داشت. کتاب دعای خود را برداشت و دعای روزانه را خواند. همان‌طور که داشت می‌خواند، احساس کرد تمام کلمات با او سخن می‌گویند. او به یاد آورد خدا کیست، همه چیز در دستان اوست، خدا می‌داند چه می‌کند، حتی در شرایط سخت. با خودش فکر کرد باید لحظه‌ای مکث کند: «کلام خدا حقیقت است و من می‌توانم به او اعتماد کنم.» به نظر نمی‌رسید اینها کلمات مناسبی برای دعا باشند. اما به‌سادگی با خدا حرف می‌زد و همان چیزی که در سرش می‌گذشت را به خدا می‌گفت. اشک‌هایش روی گونه‌هایش جاری بودند و او می‌دانست خدا واقعی است، کلامش کاملا حقیقت است و دکتر هرچه بگوید، خدا آنجاست.

او نشست و آیهٔ حفظی را با خود تکرار کرد: «در همهٔ این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطهٔ او که ما را محبت کرد» (رومیان ۳۷:۸).

رِینه شنید که از اتاق صدایش می‌کنند. او می‌دانست تنها نیست...

IX 9Marks

کلیساهای سالم بسازیم

آیا کلیسای شما سالم است؟

هدف ناین مارکس (۹ نشانه)، تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاهی کتاب‌مقدسی و تولید منابع کاربردی به منظور نمایش جلال خدا در میان ملت‌ها از طریق کلیساهای سالم است.

به همین منظور، می‌خواهیم به کلیساها کمک کنیم تا در نُه نشانهٔ سلامتی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند رشد کنند:

۱. موعظهٔ تشریحی
۲. الهیات کتاب‌مقدسی
۳. درک کتاب‌مقدسی از خبر خوش
۴. درک کتاب‌مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها
۵. درک کتاب‌مقدسی از بشارت
۶. درک کتاب‌مقدسی از عضویت کلیسا
۷. درک کتاب‌مقدسی از تادیب یا انضباط کلیسایی
۸. شاگردی و رشد کتاب‌مقدسی
۹. رهبری کتاب‌مقدسی کلیسا

در ناین مارکس، ما مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و یک مجلهٔ آنلاین تهیه می‌کنیم. ما همچنین کنفرانس برگزار می‌کنیم و در ضبط مصاحبه و تولید منابع دیگری فعالیت داریم تا کلیساها را برای نمایش جلال خدا تجهیز کنیم.

برای دسترسی به منابع ما به بیش از شصت زبان مختلف، از وب‌سایت ما دیدن کنید و برای دریافت رایگان مجلهٔ آنلاین ما ثبت‌نام نمایید. فهرست کامل وب‌سایت‌های زبان‌های دیگر ما در وب‌سایت زیر موجود است:

9marks.org/international

CHURCH IN HARD PLACES
کلیسا در مکان‌های سخت

کلیسا در مکان‌های سخت؟

در فقیرترین جوامع جهان، زندگی بسیار دشوار است. امید به زندگی پایین، میزان جرم و جنایت بالا، اعتیاد به مواد مخدر و الکل گسترده، و مشکلات سلامت روان، سوءاستفاده و غفلت فراگیر است. بسیاری از کلیساها در این جوامع به آموزش‌هایی که هم مقرون‌به‌صرفه و هم متناسب با شرایطشان باشد دسترسی ندارند و رهبران کلیسا اغلب احساس می‌کنند از نظر آموزش و منابع، به اندازهٔ کافی مجهز نیستند. در عین حال، این جوامع ویژگی‌های ارزشمندی نیز دارند. حس عمیق تعلق، همبستگی و وفاداری در آنها دیده می‌شود و بسیاری از مردم با افتخار این مناطق را خانهٔ خود می‌دانند.

«**کلیسا در مکان‌های سخت**» در تلاش است تا شاهد تاسیس و احیای کلیساها در فقیرترین جوامع جهان باشد. «کلیسا در مکان‌های سخت»، خادمین را برای پایداری و ثمربخشی در خط مقدم خدمت شبانی از طریق موارد زیر تجهیز می‌کند:

حمایت و تاثیرگذاری

ما می‌کوشیم بر خدمات و سازمان‌های انجیل‌محور تاثیر بگذاریم تا رهبران کلیساهای سالم را در جوامع فقیر یا دورافتادهٔ سراسر جهان آموزش داده و از آنان حمایت کنند.

آموزش

ما با ارائهٔ برنامهٔ کارآموزی، برگزاری کارگاه‌ها و سایر دوره‌های آموزشی، رهبران کلیساهایی را که در مکان‌های سخت خدمت می‌کنند تجهیز می‌کنیم.

منابع

ما منابعی تولید می‌کنیم که به‌طور ویژه برای تجهیز کلیساها و پاسخگویی به نیازهای منحصربه‌فرد خدمت در مکان‌های سخت طراحی شده‌اند.

پشتیبانی

ما به کسانی که در مسیر بنا کردن کلیساهای سالم در مکان‌های سخت خدمت می‌کنند، مشاوره، مربی‌گری و حمایت مستمر ارائه می‌دهیم.

www.churchinhardplaces.org

کتاب مقدس نخستین کتابی بود که به چاپ رسید و همچنان یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها در تمام دوران است؛ به گونه‌ای که خیلی از انسان‌ها اعتراف می‌کنند که زندگی خود را بر اساس صفحات آن می‌گذرانند.

اما آیا واقعا می‌توان به کتاب مقدس اعتماد کرد؟ آیا محتوای معتبری دارد یا صرفا مجموعه‌ای از ایده‌های زیباست؟ آیا پر از تناقض نیست؟ و آیا واقعا در قرن بیست‌ویکم چیزی برای گفتن دارد؟

این چهارمین عنوان از مجموعهٔ «گام‌های اول» از سازمان 9Marks است که به بررسی این پرسش‌ها و فراتر از آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که کتاب مقدس نه تنها همچنان مرتبط است، بلکه کلام خداست با قدرتی برای دگرگون ساختن زندگی‌ها.

در خدمات مکاشفه این افتخار را داریم تا این مجموعهٔ ارزنده را در نشر مکاشفه ترجمه و در اختیار جامعهٔ فارسی‌زبان قرار دهیم.

مکاشفه

WWW.MOKASHEFEH.COM

کتاب مقدس نخستین کتابی بود که به چاپ رسید و همچنان یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها در تمام دوران است؛ به گونه‌ای که خیلی از انسان‌ها اعتراف می‌کنند که زندگی خود را بر اساس صفحات آن می‌گذرانند.

اما آیا واقعا می‌توان به کتاب مقدس اعتماد کرد؟ آیا محتوای معتبری دارد یا صرفا مجموعه‌ای از ایده‌های زیباست؟ آیا پر از تناقض نیست؟ و آیا واقعا در قرن بیست‌ویکم چیزی برای گفتن دارد؟

این چهارمین عنوان از مجموعهٔ «گام‌های اول» از سازمان 9Marks است که به بررسی این پرسش‌ها و فراتر از آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که کتاب مقدس نه تنها همچنان مرتبط است، بلکه کلام خداست با قدرتی برای دگرگون ساختن زندگی‌ها.

در خدمات مکاشفه این افتخار را داریم تا این مجموعهٔ ارزنده را در نشر مکاشفه ترجمه و در اختیار جامعهٔ فارسی‌زبان قرار دهیم.

IX 9Marks
www.9marks.org

مکاشفه